

درسهای که

باید از قیام سی تیر آموخت

آنست که توده های مهرمان میهنمان پرشور و جانکف به خیا بانهار بختند و نقطه عطفی در مبارزات ضد امپریالیستی آن سالها پدید آوردند.

قیام سی ام تیر ماه ۱۳۳۱ که بدنبال استعفای دکتر محمد مصدق از پست نخست وزیر بود و وقوع پیوسته بیانگر اراده

آهنین و خلل ناپذیر توده های میهن ما در مبارزه با خطرهای از سلطه امپریالیسم ورژیم منفور سلطنتی بود.

دکتر محمد مصدق که پس از ملی شدن نفت به نخست وزیر برسیده بود، بعد از بازگشت از دادگاه لاهه بر سر تعیین وزیر جنگ با شاه اختلاف آشکاری پیدا کرد. انتخاب وزیر جنگ و فرماندهان شهربانی و ژاندارمری برخلاف قانون اساسی در اختیار شاه قرار گرفته بود. این امر که موجب تقویت

موضع دربار میشد، مورد اعتراض وی قرار گرفت. مصدق میخواست با بهره گیری از افکار عمومی که پس از دادگاه لاهه شدت علیه امپریالیسم انگلستان و عوامل داخلی اش بسیج شده بود، پست وزارت جنگ را مثل دیگر پست ها در اختیار خود بگیرد.

او میخواست که اختیارات غیر قانونی شاه در این زمینه سلب شود و این اختیارات توسط مجلس به نخست وزیر سپرده شود. بهمین دلیل در ۲۴ تیر ماه مصدق بقیه در صفحه ۸

سی تیر یاد آور روز پر شکوهی است که توده های مهرمان میهنمان پرشور و جانکف به خیا بانهار بختند و نقطه عطفی در مبارزات ضد امپریالیستی آن سالها پدید آوردند.

قیام سی ام تیر ماه ۱۳۳۱ که بدنبال استعفای دکتر محمد مصدق از پست نخست وزیر بود و وقوع پیوسته بیانگر اراده

ماهیت ضد خلقی ارتش با تعویض فرماندهان تغییر نمیکند

چندیست که از اعلام کشف و سرکوب شبکه کودتاگران در ارتش می گذرد، اما بحث پیرامون مسائل مربوط به آن در بین توده ها، هنوز عمده ترین موضوع سیاسی روز است.

این مطلب که توطئه فوق توسط نیروهای متعلق به ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم سازماندهی شده بود، کمتر جای سخن مانده است. آنچه که امروز بیشتر مورد بحث و بررسی قرار میگیرد، اختلافات دو جناح اصلی هیات حاکمه یعنی لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی بویژه در مورد تجدید سازمان ارتش و سیاست و موضع گیریهای آنها در رابطه با طرح کودتای اخیر است.

در اکثر تجمعات توده ای، مردم عمدتاً "به تفسیر و مباحثه در مورد سخنان بنی صدر که اقدامات سران حزب جمهوری اسلامی را زمینه ساز کودتا دانسته و نیز، به تجزیه و تحلیل علل تبلیغات گسترده و اقدامات حزب جمهوری اسلامی، علیه بنی صدر و لیبرالها، می پردازند. تشدید تضاد بین جناحهای هیات حاکمه در شرایط بحرانی کنونی، ماهیت آنها را بیش از پیش عیان میسازد. توده های مردم، کارگران و زحمتکشان در هر حادثه و در سیر تجربه زندگی و مبارزات روزمره شان به آگاهی سیاسی و طبقاتی خود میافزایند. توده ها در این جریان و با فعالیت انقلابی نیروهای آگاه و پیشرو قدم به قدم در می یابند که علی رغم تبلیغات سطحی و ظاهری حاکمیت مبنی بر یکپارچگی و "میثاق وحدت" دو جناح اصلی، هیات حاکمه در بحران عمیقی فرو رفته اند. بقیه در صفحه ۲

"شورای اسلامی کارکنان"

بخش حکم خلق

عمین فر وزیر نفت

را صادر کرد

صفحه ۱۱

در این شماره:

زنان زحمتکش می گویند: در صفحه ۹
طرح جدید دولت برای گوشت بنفع فولد ارهاست

اخبار
کارگری

در صفحه ۳

کلوشناسان و زولوت بلژوگانی
جهت سیلستانی را پیش می برند

در صفحه ۲

پرسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۵)

۱۰ قول بوقت مبارزه کارگران و او جگیری مبارزه نفتگران پس از تنها جنبه حقوق و آزادیهای دمکراتیک و تنها همبکرستان

در صفحه ۱۰

حجت الاسلام رفسنجانی گفت:

"کمیته مرکزی" باز هم به شوه های ناریقا نه و فرصت طلبانه متوسل شد

ساواکی ها باید آسایش و رفاه داشته باشند

در صفحه ۱۲

"مستشار دیوان عالی کشور" شاهنشاهی

از مقامات عالی جمهوری اسلامی!

اعلام پشتیبانی بخشی از دانش آموزان پیشگام در صفحه ۲

اعلام نظر بخشی از کارگران پیشرو پروژه ای آبادان پیرامون

تحولات اخیر در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۱۰

"میثاق وحدت" نمایندگان مجلس علیه نیروهای انقلابی است

اسلامی صلاح "است" نه انستند که از همه مسائل با خبر شوند، بنا بر این رئیس مطالب "میثاق وحدت" منتشر شد و در مجلس شورای اسلامی نیز که هنوز آماده قانون بقیه در صفحه ۱۱

پس از آنکه بخشهایی از نو آرایت برای بار دوم در عمل پیاده شد، حزب جمهوری اسلامی از موضع نسبتاً دفاعی خود بموضع تهاجمی در مقابل رقیبش در مجلس دست زد. قبل از این هم دو جناح

اصلی هیئت حاکمه، طی نشست هایی که در شورای انقلاب داشتند به توصیه آیت الله خمینی بر اختلافات خود موقتاً سر پوش گذاشتند و "میثاق وحدت" بسته شدند گردانندگان جمهوری

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

ماهیت ضد خلقی

بقیه از صفحه ۱

این دو جناح علیرغم کوششهای خود برای عادی‌جلبه دادن اوضاع، بر سر مسئله مهم سیاسی نشان می‌دهند که: اولاً "اختلافات بین آنها بسیار عمیق و گسترده و به همان میزان امکان حل و یابی حتی تخفیف آن با توسل به شیوه‌های آشتیبی حیوانانه، دستکم در آینده‌های نزدیک فراهم نیست و ثانیاً ماهیت این اختلافات و کشمکش‌ها چیزی جز کسب قدرت بزرگ‌جناح است از راه مورورهری سیستم موجود نیست.

ویژه‌گی شرایط حاضر، رشد آگاهی سیاسی توده‌ها، کاهش پایگاه توده‌های حکومت و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلفای ایران است. از این رو، هیچ جناحی در حاکمیت، قادر به پیشبرد سیاست خویش نیست، مگر آنکه خود را بطور نام‌وتمام در خط مبارزه ضد امپریالیستی قلمداد کند.

جناح رئیس جمهور از یک سو و سران حزب جمهوری اسلامی از سوی دیگر، اینک در کلیه مسائل و موضوعات مهم و از جمله در جریان کشف طرح کودتای اخیر، یکی سیاست دیگری را در خط حفظ و تحکیم سلطه امپریالیزم می‌دانند.

اما توده‌ها تدریجاً و در تجربیات مبارزاتی خود در می‌یابند که چریک‌های سیاسی را اصولاً "نه از روی حرف‌ها و ادعاهائی که در مورد خود دارند بلکه از طریق عملکرد آنان مورد قضاوت قرار دهند.

بی تردید حقیقت آنستکه این دو جناح، در اصل بازسازی و ترمیم سیستم کهنه سرمایه‌داری وابسته ایران، بقیمت فقر، فلاکت زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش میمنان، اشکراک و عمل داشته‌اند.

روش آنان از ابتدای استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ارتش نیز چنین بوده است.

هم اکنون سیاست بازسازی ارتش ضد خلقی و وابسته به منابع حلقه‌های از زنجیره سیاست‌های عمومی آنان در حفظ و تحکیم سیستم سرمایه‌داری وابسته و دستگا که پهنه دولتی، تحت عنوان مبارزه ضد امپریالیستی صورت می‌گیرد. فی المثل نگاه بی‌پرو و سوسپاستهای متفاوت این دو جناح در جریان کشف شبکه کودتای اخیر آموخته‌اند است.

هیأت حاکمه کشف و سرکوب توطئه‌گران کودتای نظامی را دلیلی بر ماهیت و عملکرد انقلابی ارتش میدانند و همچنان به تبلیغات عوام‌فریبانه خود ادامه می‌دهند. در حالی که درست در جریان محاکمه آنها، برخی فرماندهان - از همان قماش - را در دردهای بالائی ارتش نگار کرده و با حراجه و دستگیر کردن بر سنل انقلابی می‌پردازد. ماهیت ضد انقلابی و پوزر و آشی هردو جناح، ریشه اصلی سیاست عمومی بازسازی ارتش ضد خلقی از یکسو و سرکوب نیروهای مبارز و بر سنل انقلابی از سوی دیگر، را توضیح می‌دهد.

مخالفت این دو جناح با یکدیگر به سر حفظ و پائیداری سیستم کنونی ارتش بلکه در آنستکه هر یک از دو جناح خواستار

کارشناسان وزارت بازرگانی

چه سیاستی را پیش می‌برند

در جرگه کسانی که مدعی مارکسیسم-لنینیسم هستند اکنون دیگر هیچ امر پذیرفته شده که دولت قاعدتاً "بازار سلطه طبقاتی یک طبقه علیه طبقات دیگر است و بنابراین دولت در جهت باسازی از منافع طبقه حاکم و سلطه عمل نموده و آن بخش از اقتصاد که در مالکیت دولت است در خدمت منافع طبقه حاکم و سلطه قرار می‌گیرد. در جامعه ما نیز ما دامیکه مناسبات سلطه را مناسبات سرمایه‌داری تشکیل می‌دهد و ما دامیکه قدرت دولتی عملاً در دست بورژوازی است، بخش دولتی نه در خدمت زحمتکشان، نه دارای سمت‌گیریهایی سوسیالیستی بلکه در خدمت بورژوازی و ترمیم و بازسازی مناسبات موجود است.

مادرساله "حزب توده و بخش دولتی اقتصاد" در کار ۶۴ به ساله بخش دولتی اقتصاد و نظر اپورتونیستها پرداختیم. یکی از موارد که معمولاً مدرکی برای خلقی بودن این حاکمیت عنوان میشود ماده ۴۴ قانون اساسی و ماده مربوط به بازرگانی خارجی است که گویا دولت جمهوری اسلامی طبق این ماده درصدد ملی کردن بازرگانی خارجی است. حریفان از اینکه دولتی شدن بازرگانی خارجی سه ساله‌ای را در مورد ماهیت حاکمیت کنونی تغییر نمی‌دهد ولی بی‌شک که سیاست وزارت بازرگانی بر چه اساسی استوار است.

اکنون که ۱۷ ماه از قیام بهمن ۵۷ می‌گذرد سیاست حاکم بر بازرگانی خارجی ایران ادامه سیاست قبلی یعنی بر تشویق و اردکنندگان بخش خصوصی، اعطای امتیازات به واردکنندگان کالاها، سرمایه‌داری و گسترش عملکرد بخش خصوصی است. وزارت بازرگانی با اعمال سیاستهای بورژوازی، عملاً در جهت بازسازی و ترمیم سرمایه‌داری وابسته ترمیم خورده اقدام می‌کند و حتی دولتی شدن بازرگانی خارجی را تاکنون عملی ندانسته و گردانندگان این وزارتخانه معتقدند که سیاست ملی کردن تدریجی را پیش می‌برند. یکی از کارشناسان این وزارتخانه در مقاله ای که در روزنامه کیهان بتاريخ ۵۹/۴/۸ نوشته (نقطه نظر) این کارشناس در خطوط کلی اش همان نظر آقای صدر وزیر بازرگانی است (سیاست بازرگانی طرح می‌کنند که وزارت بازرگانی اقدام به ایجاد یک سلطه "مراکز تهیه و توزیع" با شخصیت حقوقی مستقل مینماید و این مراکز را با کالا وار می‌کنند و پس از توزیع در بین فروشندگان، این فروشندگان کالاها را با سود عادلانه به توزیع کنندگان جزء می‌رسانند. وقتی قدرت این مراکز به حدی است که "شرکت‌ها و سازمانهای دولتی" تابع این مراکز می‌بازند و طبیعتاً سیاست اعمال شده در این مراکز طرف تابع سیاستهای کلی اقتصادی دولت است و از طرف دیگر تابع منافع گردانندگان این مراکز است و هر یک دیگری را تکمیل می‌کند. ترکیب هیئت مدیره این مراکز عبارتست از نماینده وزارت بازرگانی، نماینده کمیته صنفی امام و چهار نفر از بازرگانان بصیر. این افراد بصیر که دارای "تخصص و آگاهی‌اند مشکل بازرگانی ایران را حل خواهند کرد و طبیعتاً است همان‌طور که دست‌پخت خیرگان هر مجلس تدوین قانون اساسی، یک قانون ماهیتاً بورژوازی از کار درآمد، (آنها در مناسبات سرمایه‌داری بین المللی)، متخصص (در مناسبات سرمایه‌داری) چیزی جز تدوین سیاست‌های سرمایه‌داری در حوزه توزیع نخواهد بود.

از این روست که کارشناس وزارت بازرگانی معتقد است که در این طرح "اصل رقابت در عرصه کالا از میان نخواهد رفت" و برکسی هم پوشیده نیست که رقابت یکی از قوانین مهم سرمایه‌داریست که سبب سرمایه‌داری وابسته متوسط ایرا را در مقابل انحصار بازرگانی

بقیه از صفحه ۸

ابقاً فرماندهان وابسته به خود در پستهای مهم نظامی هستند. محتوای اصلی و مشترک سیاست هر دو جناح حیات حاکمه بیشتر از آنکه سرکوب و اخراج محافل مزدور امپریالیسم باشد متوجه سرکوب و اخراج بر سنل انقلابی ارتش است. محاکمه و اعدام کودتاگران نمی‌تواند به تغییر اساسی در ارتش منتهی شود. همچنین احتمال وقوع کودتای آینده را منتفی نمی‌سازد، زیرا در ماهیت طبقاتی و عملکرد ارتش، و در نتیجه در روابط و شکل خاص سازمانی آن تغییری ایجاد نمی‌کند. ناوقتیکه آنها به رفرمها و اصلاحات جزئی در ارتش اکتفا شود، نه تنها ماهیت ضد انقلابی آن حفظ می‌گردد بلکه همچنان به مناسبات سرمایه‌داری دولتی در شکل‌گیری و رشد شبکه‌های کودتا برای بروی کار آوردن ارتجاعی ترین نوع حکومت، باقی خواهد ماند. اینک تیمسار ظهیر نژاد، این جلا دخیل کرد، فرمانده نیروی زمینی و سرپرست زاندار مری است. با افرادی نظیر ظهیر نژاد، می‌توانند ماهیتاً تفاوتی با علوی‌ها، محقق‌ها و امهدیون‌ها داشته باشند؟ آبی می‌توان بدون وجود آنها، به سرکوب بر سنل انقلابی که در راه تشکیل شوراهای خود یعنی شوراهای سربازان، در جبهه داران و افسران جز و انقلابی مبارزه می‌کنند، دست زد؟ مسلماً "با سخن منافی است. بی جهت نیست که رئیس جمهوری تمام قدرت از سران ضد انقلابی و بر سوای ارتش دفاع می‌کند: اقدام سران حزب جمهوری اسلامی در سرکوب و دستگیری نمایندگان بر سنل انقلابی نمی‌تواند جدا از عملکرد این حزب در سایر شئون سیاسی، اقتصادی جامعه باشد. آنها بنا به ماهیت ضد انقلابی خود بر سنل انقلابی را که از سرکوب خلق اجتناب می‌ورزند محاکمه و تیرباران می‌کنند و باندهای "فالانژ" را در ارتش جهت شناسایی و دستگیری بر سنل انقلابی سازماندهی می‌کنند.

آری هیچکدام از دو جناح بر پیشینیانی آگاهانه توده‌ها تکیه ندارند. آنها سعی در پوشیده داشتن حقایق از نظر توده‌ها ندارند. بنی صدر با حراجه از کشف هفت طرح کودتا سخن می‌گوید و خود را دشمنان کشف کودتا معرفی می‌کند اما حتی یک کلام در مورد جزئیات آنها به مردم نمی‌گوید.

وابستگی به حزب جمهوری اسلامی محاکمه توطئه‌گران را بر سر عهده می‌گیرد اما با جلوگیری از علنی شدن دادگاهها هراس خود را از آگاهی مردم نشان می‌دهند.

سپس تیمسار ظهیر نژاد در برید ظاهر می‌گردد و با وسع استفاده از اعترافات مذهبی مردم می‌گوید: ارتشی سازند اسلامی، ملت این ارتش را در قلب خود جای داده و جای خواهد داد. او پس از حفظ ارتش از توطئه‌های "چپ" و "راست" و "هرگونه آلودگی‌ها" سخن گفت و ارتش را ماهیتاً "ارتشی مردمی و ضد امپریالیست معرفی نمود. اما آنچه هر واقعی ارتشی می‌تواند با این سخنان بدون محتوا و عوام‌فریبانه بماند؟

در چنین شرایطی، وظیفه همه نیروهای انقلابی و بویژه بر سنل انقلابی ارتش است که به فعالیت و افشای گری خود نسبت به سران و فرماندهان ارتش و سیاست هیأت حاکمه در زمینه بازسازی ارتش ضد خلقی شدت بیشتری بخشند و هر چه شد آگاهی توده‌های زحمتکش و سربازان و در جبهه داران و افسران جزء یاری رسانند. باید آشنایان به حقوق دموکراتیک شان آگاه نمود و با تشکیل و بسط آنها، در جهت تحقق بخشیدن به آرامی طبقه کارگر مبارزه نمود.

اعلام پشتیبانی

بخشی از دانش آموزان پیشگام از جناح انقلابی سازمان (اقلیت)

جناب آقای سید محمد باقر موسوی گلپایگانی، در این بیانیه اعلام پشتیبانی از جنبش انقلابی ایران را کرده‌اند. این بیانیه در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ در تهران صادر شد. در این بیانیه آمده است که ما دانش‌آموزان پیشگام از جناح انقلابی سازمان (اقلیت) هستیم و با تمام وجود خود در کنار شما هستیم. ما با تمام وجود خود در کنار شما هستیم و با تمام وجود خود در کنار شما هستیم.

ما دانش‌آموزان پیشگام از جناح انقلابی سازمان (اقلیت) هستیم و با تمام وجود خود در کنار شما هستیم. ما با تمام وجود خود در کنار شما هستیم و با تمام وجود خود در کنار شما هستیم.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



مدیر آلمانی رفت در کارخانه "هوخت" اما مدیر ولتی بر نارضایتی کارگران افزوده است

سرما به داری و آبسته
باید آدامه یابد، تنها
در این صورت است که
و بستگی به امپریالیسم
از بین می رود.
۲ - اینکه مدیران
دولتی می گویند "باید
بیشتر تولید کنیم و
خودکفا بشویم" دروغ محض
است. تا زمانیکه اداره
کارخانه ها یعنی کنترل
تولید و توزیع در دست
کارگران نباشد هر چه
بیشتر تولید بکنیم،
جیب امپریالیستها را
بیشتر پر کرده ایم.

کارگران زحمتکش
کارخانه هوخت و تمام
کارگرانیکه وضعیت
شبه به آنها دارند باید
بدانند که:
۱- برخلاف تبلیغات
دولت و دنیا لروانش
نظیر حزب توده که
خدمتگزار بورژوازی و
خائن به طبقه کارگر
است، با دولتی کردن
کارخانه کارگران از
قید استثماررها نمیشوند.
اخراج مدیر امپریالیستی
اوا این گامی بود که
برداشته شد، این
مبارزه تا سرنگونی کامل

بعد از یکسال و اندی
تلاش کارگران، مدیر
خارجی، کارخانه اخراج
و دکتر نیرومند (استاد
دانشگاه ملی) بعنوان
مدیر دولتی و ایرانی
کارخانه بر مسند نشست
کارگران این کارخانه
که ۱۶ ماه پس از قیام
حضور آشکارا نماینده
انحصارات امپریالیستی
را در کارخانه خود تحمل
کرده بودند، تصور میکردند
که با رفتن او بخواسته
هایشان توجه می شود، اما
مدیر دولتی جدید در همان
برخورد های اول خیال
کارگران را از این باب
راحت کرد. جلسه ای که در
تاریخ ۴/۲۱ با حضور
کارکنان شرکت تشکیل
شده بود، مدیر دولتی با
جواب های مشخصی در مقابل
سئوالات کارکنان قصد
داشت حتی الامکان انتظار
آنها را از اقدامات
مدیریت جدید و دستگاه های
دولتی از بین ببرد.
مثلاً او می گفت "این
شرکت هنوز دولتی نشده
میخواهیم که دولتی
بشود و یا در جواب به این
سئوال که "تقسیم هفتاد
هزار تومان طلب اضافه
حقوق کارگران چه شد؟"
مدیر دولتی می گفت
"ما الان مسائل مهمتری
داریم، این شرکت
بدهی زیادی دارد" و از
این حرفها

مدیر دولتی ضمن
اینکه تمام مسائل
رفاهی و خواسته های بحق
کارگران را معلق میگذاشت
یا جواب رد به آنها
میداد، بطور مداوم تاکید
می کرد که "ما باید هر چه
بیشتر تولید بکنیم و
خودکفا شویم، این
کارخانه دیگر مال ماست
حتی خراشی نباید بر
دیوارهاش بیفتد...
بعد از این جلسه، کارگران
با دل سردی میگفتند "حالا
دیگر صحبت از حق ما
بکنیم می گویند کارخانه
مال خودتان است این
حرفها را نباید بزنید".

اصفهان - شرکت عمران شاهین شهر این شرکت در حومه
اصفهان قرار گرفته و اداره آن پس از قیام در دست بنیاد
مستضعفین قرار گرفت. شورای کارگران شرکت عمران شاهین
شهر پس از سه ماه تلاش و عنوان کردن خواسته های کارگران
و نشیندن پاسخ از سوی مسئولین و شورای اداره کننده کارگاهها
سرانجام در روز ۲۷ خرداد به مسئولین شرکت مراجعه کرده
و به آنها تا ساعت ۴ بعد از ظهر مهلت میدهند تا برای رسیدگی
به خواسته هایشان به کارگاه بیایند ولی تا ساعت ۴ از مسئولین
خبری نمی شود کارگران مبارز فردای آنروز بنا به تصمیم قبلی
دست از کار میکشند. نزدیک ظهر مسئول کارگاه می آید و
می بیند که هیچکس کار نمی کند. سروصداهای می اندازد ولی

قاطعیت کارگری پیروزی را به ارمغان می آورد

چون با مقاومت کارگران روبرو می شود به شورای اداره کننده
کارگاهها اطلاع میدهد و به کارگران میگوید که از شما به شورا
انقلاب شکایت خواهد شد.
مسئولین نیز بزودی سر می رسند و کارگران را جمع کرده و
شروع به فحاشی می کنند و به کارگران میگویند برگردید
سرکارتان، برای ما خیلی راحت است که همین الان شما را
بیرون بیاوریم و یکمده دیگر را بیاوریم برایمان کارکنند.
کارگران با قاطعیت مقابل آنها می ایستند و میگویند ما قبلاً
کسانی را که طرف کارگران نبودند و به حرف کارگران گوش
نمی کردند بیرون کرده ایم شما را هم میتوانیم بیرون کنیم.
بالاخره با تهدید کارگران به ادامه اعتصاب و فلج شدن کار
کارگاهها، با ۲۰٪ اضافه حقوق کارگران موافقت می شود و
می پذیرند که به دیگر خواسته های کارگران نیز رسیدگی شود.
کارگران مبارز شاهین شهر با اتحاد و یکپارچگی و قاطعیت در
مبارزه، به بخشی از خواسته های صنفی خود رسیدند.

پاسدار، چماق پیمانکار برای اخراج کارگران

با گذشت مدت کوتاهی از شروع مجدد پروژه اسید سازی
پالایشگاه آبادان (بعد از نوزده سال) کارگران متشکل شدند
و مبارزه خود را جهت رسیدن به خواسته های امنی و رفاهی
(کفش، لباس کار، کلاه و روزانه یک وعده شیر) شروع کردند و
موفق هم شدند. این کارگران یکصدوسی نفر و در استخدام
شرکت پیمانکاری تهران جنوب بودند.
با تغییر ترکیب شور و مترقی شدن آن مبارزه برای احقاق
حقوق کارگری آغاز شد (حق مسکن، حق اولاد و...) با اضافه
دریافت حقوق عقب مانده. کارگران مبارزات خود را ابتدا با
مذاکره آغاز کردند اما پیمانکار زیر بار نرفت و به بهانه اینکه
شرکت نفت مزایا نمی دهد - از دادن مزایا سرباز زد.
بلافاصله بعد از اینکه یکی از سرپرستان بکارگران اعلام کرد
که کارفرما گفته است من فعلاً پولی برای پرداخت حقوق شما
ندارم کارگران دست به اعتصاب زدند. اعتصاب سه روز
ادامه داشت و دریایان با پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران
خاتمه یافت.

پروژه به اتمام خود نزدیک شده بود که کارفرما بیست کارگرانی
را که میخواست اخراج کند تهیه کرد. کارگران با اطلاع از این
موضوع و برای جلوگیری از اخراج شروع به فعالیت نمودند.
ابتدا مراجعه و مذاکره با تمام مراجع شرکت نفت و شهرداری آبادان
شروع شد، اما نتیجه کار منفی بود. کارگران مجمع عمومی
تشکیل دادند و تصمیم به اعتصاب گرفتند. سوم خرداد
اعتصاب شروع شد و ۲۷ روز ادامه یافت. در این هنگام که
معدکارت ورود کارگران به پالایشگاه تمام شد، کارگران
تصمیم گرفتند مبارزه را بشکل دیگری ادامه دهند، دفتر
مرکزی پالایشگاه روز ۳۱ خرداد اشغال و محل تحصن کارگران
تبدیل شد. اما شب هنگام، پاسداران سرمایه همراه با
چماق بدستان به محل تحصن حمله کرده و کارگران را متفرق
کردند. در این جریان هشت نفر از کارگران را نیز دستگیر کردند و
هنگامی که کارگران جلوشهر داری اجتماع کرده و خواهان
آزادی همکاران خود بودند فرماندار و پیمانکار، بدون حضور
شورا، مذاکره کردند و تصمیم گرفتند ۴ نفر از کارگران با دوماه
حقوق اخراج شوند و بقیه هم پروژه را دوماه تحویل بدهند.

اعتراض در و پنجره سازان نیشابور به گرانفروشان

درو پنجره سازان
نیشابور و کارگران آنها
در اوایل خرداد برای
اعتراض به کمبود گران
پروفیل در نیشابور جلو
فرمانداری جمع شدند.
آنها میگفتند میزان
مصرف پروفیل این
شهرستان تقریباً مشخص
است ولی کسانی که
مسئولان را در گردن نهشتند
دوماه است پروفیل
مصرفی ما را به شهرهای
دیگر میبرند و علاوه بر
کامیون پروفیل که وارد
میشود آنها قیمتش را زیاد
میکنند مثلاً تا چند
قبل که قیمت پروفیل
در تهران کیلویی پنجاه
ریال بود آنها آنرا
کیلویی پنجاه و هشت
ریال میفروختند و حالا
هم قیمت آنرا ۶۵ ریال
تعیین کرده اند.
فرماندار قول داد بوضع
آنها رسیدگی کند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

”شورای اسلامی“ کارخانه فیلکو نماینده مدیران است نه کارگران

اعضای شورا دستگیر کردند اما هنوز یکساعت از بازداشت این کارگران نگذشته بود که کارگران آن قسمت در اعتراض به این مسئله دست از کار کشیدند و در اثر فشار یکپارچه کارگران شورا مجبور شد کارگر مزبور را آزاد کند.

در اوایل زمستان ۵۸ یکی از مهندسین تازه از انگلستان برگشته بغلط رفتار از کارگران کارخانه مورد نیاز خواست قرار می‌گیرد، مساجره بین آنها بالا گرفته و کار به زور خورد می‌کشد. بعد از این ماجرا سرپرست قسمت، مهندس مزبور و شورا متحداً ایمن کارگران را اخراج می‌کنند که با زهم با اعتراض یکپارچه کارگران حمایت بقیه کارگران از آنها مواجه شده و ناچار به برگرداندن کارگر فوق می‌شوند.

در تابستان ۵۸ یکی از کارگران را بحرم دروغین تبلیغات کمونیستی اخراج می‌کنند اما با حرکت اعتراضی کارگران مواجه می‌شود کارگران قسمت پرس تهدید به اعتصاب می‌کنند و طوبیاری از امضای کار حمایت از کار می‌شود. شورای اسلامی کارخانه زیر فشار کارگران تا بحمل نیاورده و مجبور به برگرداندن مجدد کارگر اخراجی می‌شود. در تابستان ۵۸ ما موران کمیته یکی از کارگران قسمت شایرینگ را که مخالف شورابود همیشه از حقوق کارگران دفاع میکرد، با تحریک

مخالفت کرده بود توسط این شورا و مهندس قسمت اخراج شد. اما کارگران آگاه و انقلابی که دیگر بخوبی ترک کرده‌اند حسد چاره کارشان در وحدت و تشکیلات است با اتحاد یکپارچه خود بعد از ۳ ساعت دست از کار کشیدند. تولید آن قسمت خوابید. مدیران و شورا شدیداً به تکان افتادند. دست به هر کاری زدند تا کارگران را مجدداً به کار وادارند اما وقتی ناامید شدند چاره‌ای نداشتند جز باز گرداندن کارگر اخراجی. و کارگران پس از پیروزی با خوشحالی و غرور بکار خود ادامه دادند.

نمونه‌های بالاشناگر گوشه کوچکی بود از عملکرد این شورا و مبالغه‌ها و زیاده‌روی کارگران کارخانه فیلکو در یکسال و اندی که گذشت. اکنون دیگر سر ما هیت این شورا بخوبی افشا شده است. تمام کارگران ایمن کارخانه باید همچون همیشه، یکپارچه خواهند تجدید انتخابات شورا شوند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند. این شورا تاکنون نماینده مدیران بود، یک چنین شورا نمی‌تواند مورد تأیید کارگران باشد و شورای واقعی کارکنان باید تشکیل شود.

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۶۱۰	۲۲۹۰	۱۵۱۲۳	۲۳۰۰	۲۰۴۴۴	۴۰۰۰	۱۱۱۲
ب	۶۱۰	۸۰۲۱	۵۲۰۱	۷۰۱۲	۴۴۴۴	۱۸۳۳	۹۲۱۱
ج	۷۹۴۶	۵۱۱	۱۰۷۴۹	۵۱۰۰	۵۲۴۰	۱۵۱۱	۲۰۳۲۷
د	۲۲۰۹۷	۵۴۴۴	۳۶۰۰	۵۳۱۳	۲۱۰۲	۵۰۰۰	
ه	۲۳۲۲	۱۴۲۱۳	۳۱۳۵۷	۶۱۹۹	۲۱۰۲	۱۰۱۳	
و	۳۴۱۸	۲۱۲۰۳	۱۰۸۸۰	۱۵۱۲۳	۱۱۰۲	۴۰۵۵۰	
ز	۳۴۱۸	۲۱۲۰۳	۶۲۴۰	۱۵۱۲۳	۱۱۰۲	۵۳۰۴	
ح	۵۰۲۴۳	۵۸۳۰	۱۹۹۹	۱۲۲۳	۱۱۲۷	۴۱۲۹	
	۱۰۴۴۴	۵۸۳۰	۳۵۲۰۱	۱۰۵۲۵	۱۱۲۷	۳۹۸۴۵	

فرماندار نیشابور از روستائیان می‌خواهد بهره‌وام را قبل از استفاده بپردازند

کنید تا رسیدگی شود. چند روز بعد از آن حدود ۲۰۰ نفر از کشاورزان آسیب دیده به فرمانداری نیشابور مراجعه میکنند آنها میگفتند ما وام بدون بهره بدهید تا ما خسارتمان را جبران کنیم و فرماندار که خیلی بفکر زحمتکشان و خسارت وارده به سرمایه و زندگی آنهاست، گفت: ببله شما میتوانی بدهید وام کشاورزی استفاده کنید ولی بهره آنرا باید قبلاً بپردازید! کشاورزان این پیشنهاد بزرگوارانه فرماندار را نپذیرفتند و بروستای خود بازگشتند.

باران و تنگی شدیدی که در اوایل اردیبهشت در نیشابور بارید، به محصولات کشاورزی این منطقه صدمات جدی زد و حتی در مواردی نودتا را از بین برد. بیشترین خسارت بزارع خیار، گوجه فرنگی، کدو و با دملجان وارد شد. مزارع با قلا، بنه، باغهای میوه بخصوص انگورو حتی بعضی از مزارع گندم و جو نیز آسیب دید. روز بعد از این سرگرد شدید هیئتی برای بررسی روستاهای آسیب دیده میروند و میگویند بروید به فرمانداری گزارش

اتحاد زحمتکشان ضامن پیروزی است

خود را در این زمین‌ها بچرانند. بدنبال شکایات توکلی به داستان انقلاب بلافاصله یاساران به روستاها می‌آیند و یکی از دهقانان را که نماینده شورای ده نیز هست دستگیر میکنند. اهالی هر سه روستا به شهر می‌آیند و خواستار آزادی نماینده خود میشوند و بالاخره هم با تفاق نماینده خود به روستا باز میگردند. روز بعد، پاسداران به این سه روستا میروند و میگویند روستائیان گوشه‌نشان را در همان زمین‌ها بچرانند و اجازه بدهند تا طرح‌های عمرانی در آنجا پیاپی بدهند. روستائیان گوشه‌ندان خود را میچرانند ولی تاکنون پولی پرداخت نکرده‌اند.

اهالی سه روستای تیرآباد، نوزنده‌جان و قلعه نواز روستاهای نیشابور که برای جرای گوشه‌ندان خود با توکلی سرمایه‌دار روز میبندار معروف شهر اختلاف پیدا کرده بودند نشان دادند که همه زحمتکشان میتوانند با اتحاد و مقاومت خود در مقابل زور سرمایه‌دار و دولت‌های اوباشتند و حق خود را بگیرند. توکلی که صاحب حدود ۲۵ هکتار زمین در این سه روستاست بعد از برداشت محصول، کلش (بقایای ساقه‌گندم را به روستائیان نمیدهد و آنها را به کسان دیگری میفروشد. روستائیان که برای جرای گوشه‌ندان خود به این کلش (ساقه‌گندم) احتیاج داشتند، تصمیم گرفتند گوشه‌ندان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



مسئله کردستان و موضع ما (۲)

سیاست "اکثریت کمیته مرکزی" اعتماد به هیئت حاکمه، بی اعتقادی به توده‌هاست

۱- ماهیت سیاست های

هیأت حاکمه در کردستان

کسب "امتیازاتی" به اظهار نظر صریح در محکوم کردن مبارزات خلق کرد اقدام کنند. هر چند در این اعلام موضع (که با هیچگونه تحلیل مشخص همراه نیست) حداغلی تلاش خویش را بکار بستند تا نظرات خود را در پرده‌های از جملات مبهم مستتر دارند، لیکن خط زرد مشی اپورتونیستی و رفرمیستی حزب توده از لابلای نوشته‌هایشان بوضوح نمایان بود. حال یک بیک ببینیم نظرات آنان درباره ساسی ترین مسائل چگونه است.

کمیته مرکزی از آنجا که قادر به درک ماهیت و خصلت طبقاتی بورژوازی حاکمیت کنونی نیست و آنرا دارای ماهیت ضد امپریالیستی، انقلابی می‌شناسد در بررسی سیاست های هیئت حاکمه در کردستان در محضه شدیدی قرار می‌گیرد. آنها از سوئی می‌خواهند ماهیت سیاست‌های هیئت حاکمه را انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد کنند و از سوی دیگر واقعیات مبارزه در کردستان خط بطلان بر نظریات آنها می‌کشد لذا مجبورند به تناقض گوئی بیفتند و به تحریف واقعیات و وارونه جلوه دادن قضایا و ارائه نظریات غیر مارکسیستی متوسل شوند.

آن‌ها درباره سیاست‌های هیئت حاکمه در کردستان می‌نویسند:

"تعمیق سیاست سرکوب از جانب هیئت حاکمه در کردستان، امروز باعث گردیده که مردم در ابعاد گسترده‌ای از حاکمیت فاصله بگیرند و مواضع ضد امپریالیستی آن را درک نکنند." (سرمقاله ارگان سراسری شماره ۶۵) و اضافه می‌کنند:

"گسترش جنگ در کردستان باعث میشود که خلق کرد بیش از پیش تمامی مصائب و بدبختی‌های خود را از چشم حاکمیت موجود ببینند" (همانجا) شما آقایان که توده‌های مردم را که بعلمت تجربه سیاست های هیئت حاکمه از آن فاصله می‌گیرند به عدم درک مواضع "ضد امپریالیستی" حاکمیت متهم می‌کنید و لابد انتظار دارید توده‌ها مواضع "ضد امپریالیستی" آنرا درک کرده از آن فاصله نگیرند. لطفاً توضیح دهید، توده‌های مردم، کارگران و زحمتکشان و دهقانان و خلقهای تحت ستم میهن ما، که پس از سبوری شدن یکسال و نیم از قیام بهمن ماه به هیچکدام از خواسته‌های واقعی خویش دست نیافته‌اند و همچنان تحت ستم و استثمار قرار دارند و بارنج‌ها و مصائب فراوان زور و هتند "تمامی مصائب و بدبختی‌های خود را از چشم "چه کسی باید ببینند؟ از چشم " آنارشیت‌ها؟ یا از چشم " دولت جمهوری اسلامی؟ مگر این دولت جمهوری اسلامی نیست که حقوق حقه کارگران و دهقانان و زحمتکشان را با پمال می‌کند؟ مگر این حکومت نیست که حقوق خلق کرد را انکار می‌کند؟ مگر این ارتش اسلامی و پاسداران - نیستند که توده‌های خلق را سرکوب می‌کنند؟ مگر این حکومت در کردستان دست به محاصره اقتصادی نزده است؟ مگر این حکومت انقلابیون و مبارزین کرد را دست‌دسته اعدام نمی‌کند؟ شما که مواضع "ضد امپریالیستی" حکومت را درک کرده‌اید توضیح دهید چه کسانی حافظ و پاسدار نظام طبقاتی کنونی هستند و بر استثمار توده‌های

بقیه در صفحه ۶

(استالین - سراجع به اصول لنینیسم) این همان حلقه ساسی است که مرزبندی بین مارکسیسم - لنینیسم و اپورتونیسم و رفرمیسم و سوسیال شوونیسم را مشخص می‌سازد. لذا نخستین نکته‌ای که بر آن تاکید داریم، برخورد به مسئله جنبش خلق کرد از نقطه نظر منافع مبارزه طبقاتی پرولتاریاست، دومین نکته ای که میباید بر آن تاکید داریم بررسی تاریخی مشخص مبارزات خلق کرد است.

بدون در نظر گرفتن خصوصیات عمده دوران تاریخی حاضر، بدون تحلیل مشخص از موقعیت مشخص جامعه، بدون تعیین خصلت و ماهیت قدرت حاکمه، بدون بررسی علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد، خصلت و ماهیت این مبارزات، بدون بررسی رابطه جنبش سراسری طبقه کارگر و جنبش خلق کرد و... قادر به پاسخگوئی صحیح به مسئله فوق نخواهیم بود. مگر این نظر را در باره بحران اقتصادی موجود و چشم انداز آن - در آن - خصلت، ماهیت و ترکیب طبقاتی قدرت حاکمه، علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد، اعلام کرده‌ایم (رجوع شود به نبرد خلق ارگان شوریک - سیاسی سازمان شماره ۱ دوره جدید و کار شماره ۱ عبه بعد). در این شماره به بررسی نظرات اپورتونیستی "اکثریت کمیته مرکزی" درباره خصلت و ماهیت قدرت حاکمه و مبارزات خلق کرد می‌پردازیم.

اولین مسئله‌ای که در بررسی نظریات اکثریت "کمیته مرکزی" شایان توجه است، فقدان موضع گیری صریح و ارائه تحلیل مشخص از مبارزات خلق کرد از جانب آنان است.

آنها تاکنون هیچگاه به بررسی و تحلیل علمی جنبش حق طلبانه خلق کرد و رابطه آن با مبارزات سایر خلقهای ایران و جنبش طبقه کارگر و... نپرداخته‌اند. موضع گیریهای سیاسی لحظه‌ای همراه با نوسانات دائمی بارزترین مشخصه موضع گیریهای آنهاست که خود نمودی است از اپورتونیسم ریشه دار.

شاید بتوان گفت موضع گیریهای کار شماره ۵۹ به بعد و بیانیه "درباره وظایف نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان" و آخرین شاهکارشان سر مقاله ارگان سراسری کمیته مرکزی شماره ۶۵ با تمام اتهامات و نادرستی‌هایش گامی است در جهت اعلام نظرات صریح از جانب آنان.

آنها که تا دیروز سعی میکردند از موضع گیری صریح شانه خالی کنند، در آنچنان شرایطی از مبارزه طبقاتی قرار گرفتند که مجبور شدند بدنبال مذاکرات شان با نمایندگان بورژوازی به امید

در شماره گذشته ما به ضرورت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک حول مسئله مبرم موضع نیروهای انقلابی در قبال جنبش دموکراتیک خلق کرد تاکید کردیم و به طرح اختلافات مان با "کمیته مرکزی" پرداختیم.

البته در زمان تشکیل پلنوم "گرایشات گوناگون درون سازمان هنوز شکل نهائی بخود نگرفته بود و وصف بندی ایدئولوژیک - سیاسی در شرف تکوین و تکامل بود.

امروز گرایشات مختلف تبلور یافته و مرزبندی ایدئولوژیک - سیاسی بطور روشنی بوجود آمده است و با تکامل اختلافات بدو مشی کاملاً متضاد جدائی تشکیلاتی نیز صورت پذیرفته است.

اگر مادر پلنوم (مهرماه ۱۳۵۸) از گرایش بر است در جناحی از سازمان برهبری "اکثریت کمیته مرکزی" سخن می‌گفتیم، امروز با گردیدن کامل آنها به خط و مشی رفرمیستی حزب توده مواجهیم.

بنابراین ضروری است که ضمن نشان دادن جوهر تسلیم طلبانه و رفرمیستی نظرات اکثریت "کمیته مرکزی"، خط مرزهای بین مارکسیسم - لنینیسم انقلابی را با رفرمیسم بطور روشنی ترسیم کنیم.

* * * مارکسیست - لنینیست هازمانی میتوانند به مسئله موضع گیری صحیح و ارائه سیاست مستقل طبقه کارگر در قبال جنبش مقاومت خلق کرد پاسخ درست بدهند که در رابطه لاینفک امر سوسیالیستی و وظایف دموکراتیک پرولتاریا در مبارزه طبقاتی اش درک صحیح و علمی داشته باشند.

خصلت عام جنبش طبقه کارگر در سوسیالیستی بودی آنست، حال آنکه خصلت عام جنبش خلقهای تحت ستم در دموکراتیک بودن آن. شاید دیگر لازم به تاکید و توضیح نباشد که وقتی فی المثل از خصلت عام سوسیالیستی - بودن جنبش طبقه کارگر صحبت می‌کنیم، ویژگی دیگر این جنبش را که همانا مبارزه بخاطر استقرار دموکراسی پرولتاریائی است از نظر دور نداشته‌ایم همچنانکه وقتی صحبت از خصلت دموکراتیک جنبش خلقهای تحت ستم میمان میآید مسئله برای مارکسیست - لنینیست‌ها تنها بدینگونه مطرح است که هر جنبش اصیل ملی در نهایت جز یا حلقه‌ای از مبارزه طبقاتی پرولتاریاست.

"مسئله حقوق ملل یک موضوع منفرد و مستقل نبوده بلکه جزئی از مسئله کلی انقلاب پرولتاریائی است و این جز مطیع کل بوده و از نقطه نظر کل باید به آن نگاه کرد."

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

مسئله کردستان و ...

بقیه از صفحه ۵

زحمتکش صحنه می گذارند؟ مگر خود شما در همان سر مقاله کذائی اعتراف نکردید که:

"قطعنامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی که به مقابله با هرگونه حقوق ملی و قومی تاکید دارد." (همانجلا کید از ماست). مگر خود شما ننوشتید که:

"تنظیم کنندگان این قطعنامه، نه تنها بی اطلاعی محض خود را از اوضاع سیاسی کشور آشکار ساختند، بلکه با صدور چنین قطعنامه ای نشان می دهند که نسبت به مصالح مردم ایران تاجه پایه بی اعتنا بوده و فاقد احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت انقلاب مردم ما هستند" (همانجلا کید از ماست) و "سازمان ما، مسئولیت تمامی عواقب را که اتخاذ چنین سیاستهای جنگ طلبانه و غیر مسئولانه بر سرنوشت مبارزات مردم ما برجای میگذارد مشخصاً بر عهده جمهوری اسلامی می داند". (همانجا - تاکید از ماست)

واقعیات آنقدر روشن و عیانند که تلاشهای مذبحخانه شمارا برای تحریف واقعیات بی اثر می سازد لذا ناچارید به تناقض گوئی بپفتید و گناه عدم درک! "موضع ضدامیرالیستی" حاکمیت را بگردن ناآگاهی توده ها بیندازید. ناآگاهی توده ها بماند، استدلال شما برای ماهیت سیاستهای "انقلابی" و "ضدامیرالیستی" حکومت چیست؟ شما در بیانیه "درباره وظایف نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان" می نویسید:

"امیدانیم که عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه که در راس آن فرماندهان مزدور ارتش قرار گرفته اند با سیاستهای خود همسو و همگام با مزدوران وابسته بیعت و امیرالیسم آمریکا عمل می کنند" و "این سیاست که به نارضایتی مردم و توده ارتشی دامن میزند با تضعیف مبارزه ضد ضدامیرالیستی تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امیرالیسم خدمت می کند" (همان بیانیه - تاکید از ماست)

حال این چگونه سیاست ضدامیرالیستی است که "تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امیرالیسم خدمت می کند"؟ آیا سیاست هیئت حاکمه در کردستان پس از قیام بهمن ماه بیجست سیاست سرکوب خلق کرد و انکار حقوق حقه انسان چیز دیگری بوده است؟ این سومین بار است که جنگ توسط هیئت حاکمه به خلق کرد تحمیل میشود.

آیا با نام این اوصاف باز هم میتوان ایداد عا کنید، سیاستی که پیگیرانه توسط هیئت حاکمه دنبال شده و بر عزم خودتان تنها در خدمت امیرالیسم بوده است، سیاستی انقلابی و ضد امیرالیستی است؟

شاید هم منظورتان از ذکر "عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه که در راس آن فرماندهان مزدور ارتش قرار گرفته اند و جنگ را تحمیل می کنند"، بیگناه جلوه دادن سایر عوامل و جناحهای غیر جنگ افروز و صلح طلب هیئت حاکمه است؟ و میخواهید بگوئید که هیئت حاکمه خواهان چنین سیاستی نیست و سران مزدور ارتش چنین سیاستی را به آن تحمیل کرده اند؟ اگر چنین تفکری داشته باشید که بنظر ما در بیانیه خواهانید به خواننده چنین القاء بکنید جواب شمارا با نقل قولی از لنین می دهیم که می گفت:

"ولی اکنون و بویژه مهم است که کارگران آگاه به مسئله سیاسی انقلاب با هشیاری نگرینسته ببینند در لحظه فعلی قدرت دولتی در دست کیست، اگر شما مظاهرمادی آنرا معین کنید و عبارت سردازی را بجای قتل نیز پذیرید دریافتن آن دچار اشکال نخواهید شد."

فردریک انگلس مینویسد:

"دولت مقدم بر هر چیز شامل دسته های از افراد مسلح است با اضافه زوادمادی از قبیل زندانها، ولی اکنون این زوادمادی شامل یونگرها و قزاقهای مرتجع است که مخصوصاً به پطروگراد احضار شده اند، شامل کسانی است که گامسلف و سایرین را در زندان نگاه داشته اند، شامل کسانی که روزنامه "پراودا" (۲۳) را توقیف کردند، کارگران و قسمت خاصی از سربازان را خلع سلاح نمودند و اکنون سربازانی از همین قبیل و واحدهای ارتشی از همین قبیل را تیرباران می کنند. آری یمن جلا دان - قدرت حاکمه واقعی هستند تسره تلی ها و چرنف ها و وزرای دون قدرت هستند، آنها وزرای عروسکی و سران احزابی هستند که از جلا دان پشتیبانی مینمایند، این واقعیت است و اینکه تسره تلی و چرنف هیچکدام لا بد یمن جلا دی را مشخصاً "تائید نمی کنند" و روزنامه های آنان خائنه آنرا انکار می نماید در این واقعیت



ما ضمن آنکه پالیزبا نهیها، ایسیها و دیگر محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ را دشمنان خلق کرده و همه خلقهای ایران را میدانی می قاطعانه علیه آنها تیر می کنیم...

تغییری نمیدهد، عوض کردن ظاهر سیاسی تغییری در ماهیت قضیه نمی دهد.

معنای سخنان لنین در شرایط کنونی چنین است که قدرت واقعی در دست همین "عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه و در راس آن فرماندهان مزدور ارتش" می باشد چرا که اکنون سیاستهای آنان عملی شده و به اجراء آمده است.

شما که برای "بیگناه" جلوه دادن و وضو ضدامیرالیست و انقلابی معرفی کردن هیئت حاکمه با چنین استدلالی مسئولیت جنگ در کردستان و سیاست سرکوب هیئت حاکمه در قبال جنبش خلق کرد را که به اعتراف خودتان "تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امیرالیسم خدمت می کند" به گردن عوامل جنگ افروز و فرماندهان مزدور ارتش انداخته اید، باید به توده ها توضیح دهید پس چرا در مقاله "نظری بر پیشداوریهای منشعین" نوشته اید:

"ارتش بدون فرمان خرده بورژوازی حتی حق شلیک یک تیر نیز ندارد" لنین می گویند اپورتونیسیم همواره مثل ماربین نظرات ناسخ و منسوخ هم می پیچد و شما نیز بنابه ماهیت اپورتونستی تان دقیقاً چنین رویه ای در پیش گرفته اید. شما در جای دیگر ناآگاهی زمامداران جمهوری اسلامی را علت بروز جنگ دانسته و می نویسید: "مانسبت به تعقیب این سیاست به آن دسته از زمامداران جمهوری اسلامی که در توهم پیروزی نظامی، ناآگاهانه بدین دام افتاده اند. جدا هشدار میدهیم" (بیانیه)

آیا مبتذل تر از این میتوان علل اجتماعی جنگ در کردستان را توضیح داد؟ "پردام جنگ افتادن، بعثت توهم پیروزی نظامی، توهم پیروزی نظامی" علت بروز جنگ و دلیل سیاستهای سرکوبگرانه حکومت است؟ پیروزی نظامی نه علت بلکه وسیله ایست برای رسیدن به اهداف طبقاتی معین. حتی خود این زمامداران هم شانه شان بیشتر از شماست کافی است که به نطق این آنگوش فرادهید تا متوجه گردید که چگونه از منافع طبقاتی مشخص و معین دفاع می نمایند و نه تنها ناآگاه نیستند بلکه کاملاً آگاهند و میدانند که چه می کنند.

یک بار دیگر متن مذاکره تان را با بهشتی مرور کنید، آنگاه درخواهید یافت که ناآگاه نه آنان، بلکه خود شما تید که ناآگاهانه "بدام بورژوازی" افتاده اید. این نماینده آگاه بورژوازی که باز برکی تمام شمارا فریب داد و از شما می خواهد که توبه کنید و به آنها اعتماد کنید و این اعتماد به آنرا اعلام کنید و "توهمتی" را که نسبت به آنان در میان توده ها بوجود آورده اید، بزدا تید و در همان حال در روزنامه رسمی حزب جمهوری اسلامی فدائیان خلق را واپسته به آمریکا معرفی می کند و در نماز جمعه توده ها را تحریک نموده و شعارهای مرگ برداشتی و مجاهد را به آنان تحمیل می کند و دستهای چماق دار را می اندازد. آیا در این "معاملات" و بندوبست ها خود را معیون و فریب خورده نمیدانید؟ آش را نخوردید، دهانتان هم سوخته است. مثلی است مشهور که میگوید، دون فطرتی نابخوردند، نه گناه بدون لذت منجر میشود و حال روز شما چنین است.

شما که به یک باره از توده ها و مبارزات شان روی بر تافته و اعتماد به حکومت را بیکزین اعتقاد بیه توده ها ساخته اید و بدینال کسب "امتياز" هستید بهترینست این ناشیگریهای خود را کنار بگذارید و از اپورتونیستهای کهنه کار حزب توده که در این قبیل بندوبست ها استادند درس بگیرد و رهبری کامل آنها را بپذیرید؟ آنها حداقل اگر منافع خلق و توده های مردم را به بورژوازی تسلیم می کنند، لااقل "امتیازاتی" کسب می نمایند. شما که آنها اختلاف اساسی ندارید و چنین روشهایی را پسندتان است، مادر شماره های آینده نشان خواهیم داد که با چنین نگرشی هدف شما از "صلح عادلانه" چیست و چگونه سازش طبقاتی و فریمس راحت پوشش صلح عادلانه دنبال می کنید.

برگردیم سراصل مطلب، فرض کنیم که برخی از زمامداران جمهوری اسلامی "حتی ناآگاهانه به این دام افتاده باشند و توهم پیروزی نظامی" آنان را به چنین جنگی کشانده است و عملاً "سیاستی را تائید می کنند و پیش می برند که به اعتقاد خود شما "تنها در خدمت امیرالیسم است". حال سؤال می کنیم ناآگاهی افراد تعیین کننده است یا عمل آنان؟ حرف ملاک است یا عمل؟ آیا این همان "پشتیبانسی در در عمل" و "اعتماد ناآگاهانه" که خرده بورژوازی را به دنبال روی بورژوازی می کشاند و به زائده آن بدل می کند نیست؟

شما در حقیقت گفته اید این سیاست تنها در خدمت امیرالیسم است و دستهای زمامداران جمهوری اسلامی (که حتماً "بنظر شما" حسن نیت دارند) بدام امیرالیسم افتاده اند و عملاً "سیاستهایشان در خدمت آنست و البته این سیاستی است که پس از قیام پیگیرانه دنبال شده است ولی علیرغم این، سیاستهای هیئت حاکمه انقلابی و ضدامیرالیستی است. حال بعهدده شماست که این تناقض را بمردم توضیح دهید.

بقیه در صفحه ۷

پیروزی مبارزات ضدامیرالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

مسئله کردستان و ...

بقیه از صفحه ۶

۲- سیاست های هیئت حاکمه و فعالیت ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ

اپورتونیستهای کمیته مرکزی از یکسواز تعیین ماهیت و خصلت طبقاتی سیاستهای هیئت حاکمه طفره رفته و از سوی دیگر با انگشت گذاردن بر فعالیت عوامل مزدور امپریالیسم نظیر الیزبان، اویسی و ... در کردستان و بزرگ نمودن آن تلاش میکنند بر مبارزات بحق خلق کرد خط بطلان کنند.

آنها که جنگ کردستان را محصول توطئه امپریالیسم، چپ روی آنارشیست ها و ناآگاهی جناحهایی از هیئت حاکمه قلمداد می کنند و کلمه ثی هم درباره اینکه خواستهای خلق کرد چیست و این مبارزات حق طلبانه و عادلانه است یا نه نمی گویند. آنها نمی گویند که کارگران، دهقانان و زحمتکشان کرد، پیشمرگه های فدائی و ... با چه کسانی و با چه هدفی مبارزه می کنند و آیا این اهداف انقلابی و مترقی است یا ارتجاعی و ضد انقلابی که آنرا بسود جنبش ضد امپریالیستی نمی دانند. آنها تنها با تاکید مکرر بر مبارزه ضد امپریالیستی که بزعم آنها توسط حکومت به پیش برده می شود، مبارزات ملی و طبقاتی خلق کرد را در جهت تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی و نمود می سازند. چرا که به اعتقاد آنها مبارزه انقلابی توده های خلق کرد از آنجا که حکومت را تضعیف می کند، پس در نتیجه مبارزه ضد امپریالیستی را تضعیف می نماید.

این آقایان که خود را فخرمانان بازگشت به اصول میدانند چگونه این القای مارکسیسم - لنینیسم را فراموش کرده اند که برای بررسی خریدار توده اجتماعی از آنجمله مبارزات خلق کرد، نخست باید علل اجتماعی و ریشه های طبقاتی آنرا جستجو نمایند.

آنها برای توضیح علل اجتماعی مبارزات خلق به توطئه امپریالیستیها و چپ روی آنارشیست ها متوسل می شوند آنها درک نمی کنند و یا نمی خواهند درک کنند که بروز جنگ در کردستان بعلت شرایط خود ویژه آنجا و حدت یافتن مبارزه ملی و طبقاتی و بنا به خصلت و ماهیت طبقاتی قدرت حاکمه امری اجتناب ناپذیر بوده است و در این میان نقش توطئه امپریالیستیها و چپ روی آنارشیست ها (اگر هم صورت گرفته باشد) دارای اهمیت فرعی می باشد.

آنها با ارائه چنین تحلیل هایی آشکارا نشان میدهند که حتی مفهوم علمی توطئه را نیز درک نکرده اند. اولاً "توطئه شکل بروز یک پدیده اجتماعی را بیان می کند و نه علل اجتماعی آنرا"، ثانیاً "توطئه عبارت است از اقدام اقلیتی محدود که متکی به نیروی توده ها نباشد، حال اگر واقعاً" جنبش مقاومت خلق کرد محصول توطئه عوامل امپریالیسم و چپ روی آنارشیست ها است و هیچگونه زمینه مادی ندارد، چگونه است که خود این آقایان می نویسند:

"این عوامل (منظور نویسندگان بیانیه عوامل جنگ افروز هیئت حاکمه است) بخوبی میدانند که برای ارتش در کردستان پیروزی نظامی وجود ندارد. این چگونه توطئه است که از آنچنان پشتوانه توده ای برخوردار است که حکومت جمهوری اسلامی با پشتوانه توده های اش قادر به

درهم شکستن آن نخواهد بود؟

آقایان اپورتونیست ها بهتر نیست کمی درباره مفاهیمی که بکار می برید بیندیشید؟ آیا نمیدانید که بورژوازی نیز همواره به همین شیوه های استدلال متوسل میشود؟ تاریخ را نگاه کنید! بورژوازی در بررسی هایش همه درگیر بیجا و جنگ ها را محصول توطئه، ناآگاهی، اشتباه و غیره قلمداد می کند چرا که میخواهد ناگزیری مبارزه طبقاتی و جنگ طبقاتی را نفی کند. دوستان شما در روزنامه مردم نیز عیناً همین را می نویسند "اعتصاب، تحصن، توطئه امریکا است". آیا برآستی اعتصاب و تحصن شکلی از اشکال مبارزه کارگران و محصول استثمار کارگران توسط سرمایه داران است یا توطئه امریکا است؟ مبارزات خلق کرد محصول ستم ملی و طبقاتی بر خلق زحمتکش کرد و انکار حقوق حقه آنان توسط حکومت است یا نتیجه توطئه پالیسی ها و ... است؟ آیا جنگ گنبد محصول حدت و شدت یافتن تضادهای طبقاتی و



آنها نمی گویند که کارگران، زحمتکشان کرد، پیشمرگه های فدائی و ... با چه کسانی و با چه هدفی مبارزه می کنند و آیا این اهداف انقلابی و مترقی است یا ارتجاعی و ضد انقلابی که آنرا بسود جنبش ضد امپریالیستی نمی دانند.

مبارزه طبقاتی است یا نتیجه توطئه عوامل شریعتمداری است؟ نکنند از دیدگاه شما مبارزه طبقاتی و جنگ طبقاتی نیز خود یک توطئه بزرگ است؟ آیا هرگز به کنه استدلالات خویش اندیشیده اید؟ شما برای اثبات ملی و مترقی بودن قدرت حاکمه زبرهان خلفا استفاده می کنید و میگویند اگر حاکمیت انقلابی نیست پس چرا پالیسیها و اوپسیها و ... بسا حکومت می جنگند؟ و سپس استدلال می کنید چون پالیسیها با حکومت می جنگند پس حاکمیت انقلابی است. و با چنین نحوه استدلالی لابد شما باید ماهیت حکومت رضاخان را هم ملی و مترقی بدانید که چرا هم با اسماعیل آقا سمینت قومی جنگید و هم با شیخ خزعل و هر دو یابان مرتجع بودند.

شما که اینقدر شیفته شیوه استدلال برهان خلف هستید توضیح دهید. اگر حکومت انقلابی است چرا فدائیان و مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی را سرکوب می کند؟ چرا انقلابیون اعدام می شوند؟ چرا حکومت، دهقانان ترکمن صحرا، کارگران و دیگر زحمتکشان میهنمان، خلق کرد و ... را سرکوب می کند؟ شوراها را برمی چیند مردم بیگناه را بمباران می کند؟ چرا حقوق دمکراتیک مردم را پایمال می کند؟ سیستم سرمایه داری و استثمار ساز می کند؟ ارزشمندان و سرمایه داران دفاع می کنند؟ مطمئن هستیم که پاسخی برای سئوالات فوق و بسیاری سئوالات دیگر نخواهید یافت. چرا که از بررسی علمی پدیده های اجتماعی ناتوان هستید و قادر نیستید بنا به ماهیت اپورتونیستی تان واقعیات را بطور علمی تحلیل نمایید.

اگر ادعای مارکسیست بودن را دارید باید تعیین کنید اولاً "مضمون طبقاتی جنگ بین پالیسیها و قدرت حاکمه چیست؟ و ثانیاً "مضمون طبقاتی مبارزه خلق کرد و سایر زحمتکشان با قدرت حاکمه چگونه است.

واقعیات بروشنی نشان میدهد که مضمون طبقاتی مبارزه بین قدرت حاکمه و محافل وابسته به امپریالیسم نظیر پالیسیها و اوپسیها و ...، بیانگر تضاد بین



بورژوازی بزرگ و متوسط بر سرکسب هژمونی در قدرت سیاسی بوده و تضادی درون طبقه ایست. حال آنکه تضاد بین کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان و خلق زحمتکش کرد و ترکمن و ... با قدرت حاکمه بیانگر تضاد بین دوا و گاه انقلاب و ضد انقلاب می باشد و بی هیچوجه تضاد درون خلقی نیست و جهت گیری ارگانهای قدرت دولتی، دفاع از منافع سرمایه داران و زمینداران است. بورژوازی متوسط هم متحد خلق در مبارزه علیه امپریالیسم نبوده بلکه در صف مقابل آن قرار دارد.

این بمعنی نفی تضادهای بین جناحهای مختلف بورژوازی و بهره گرفتن از تضادها بسود خلق نیست. مارکسیست - لنینیست ها موظفند از تضادهای درونی اردوگاه بورژوازی به نفع پیشبرد انقلاب بهره گیرند اما برای بهره گیری از این تضادها، نیازی به "خلق" و "انقلابی" جلوه دادن و متحد خلق شمردن جناحی از بورژوازی نیست.

مارکسیست لنینیست ها هیچگاه نمیتوانند به بهانه اینکه ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم با قدرت دولتی در کردستان درگیری شوند، مبارزات عادلانه خلق کرد را محکوم نمایند، یا از آن دفاع نکنند.

لنین خود در بررسی جنبشهای رهایی بخش بسود مواردی اشاره می کند که تحت آن شرایط ممکن است یک قدرت امپریالیستی علیه دیگر قدرت امپریالیستی جنبشهای رهایی بخش را مورد استفاده قرار دهد خاطر نشان میسازد که این امر نمی تواند موجب عدم شناسائی حق تعیین سرنوشت ملل گردد. و می نویسد:

"این واقعیت که مبارزات آزاد بخش ملی بر علیه یک قدرت امپریالیستی تحت شرایط معین ممکن است بوسیله قدرت بزرگ دیگری با منافع امپریالیستی همسان مورد استفاده قرار گیرد، نباید موجب چشم پوشی سوسیال دمکراسی از شناسائی حق خود مختاری ملل گردد" (لنین انقلاب سوسیالیستی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش).

در کردستان نیز شرایط خاصی پدید آمده است که تضاد بین ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و بورژوازی متوسط بسود درگیریهای حاد کشیده شده است ولی این امر نمی تواند پرده بر روی مبارزات عادلانه و حق طلبانه خلق زحمتکش کرد افکند، و ماهیت مترقی و عادلانه جنبش مقاومت خلق کرد را تغییر دهد.

این محافل ارتجاعی نه تنها علیه قدرت دولتی بلکه همچنین علیه نیروهای انقلابی و جنبش مقاومت خلق کاملاً متمایز و جداست. آنها علیرغم درگیر شدن با قدرت حاکمه در مقابل جنبش حق طلبانه خلق کرد قرار دارند و علیه آن اقدام می کنند.

ماضی آنکه پالیسیها، اوپسیها و دیگر محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ را دشمنان - خلق کرد و همه خلقهای ایران میدانیم و قاطعانه علیه آنها نبرد می کنیم، سرکوبگران خلق و سایر زحمتکشان ایران را دوست و متحد خود نخواهیم شمرد و وصف انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش نخواهیم ساخت.



با تکیه به نیروی توده ها برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بکوشیم

درسهایی که باید از قیام

بقیه از صفحه ۱

تهدید کرد که اگر این اختیارات به او داده نشود از نخست وزیر استعفا خواهد داد.

شامو دیگر مرمعین و عوامل امیرالایم که منتظر فرصت بودند، استعفاي مصدق را امیرالایم انگیلیوام السلطنه را به نخست وزیر انتخاب کردند. انتخاب قوام به نخست وزیر که خیانت هاشم برای همه مردم آشکار شده بود، موجب استعفا از اعتراضات مردم را برانگیخت. فراکسیون ملی به رهبری آیت الله کاشانی روزی ام تیسرا را اعتصاب عمومی اعلام کرد. جنبه ملی متعاقب آن اعلام اعتصاب نمود. اعلام جنبه ملی توسط حبیبی از آزاد بونیس خوانده شد. نیروهای چپ نیز شرکت خود را در این اعتصاب اعلام کردند.

روزی ام تیرماه علیرغم تاکید کاشانی و جنبه ملی که مردم را به اعتصاب آرام و بیشتن مبارزه و نرفتن بشکار و ماندن در خانه ها دعوت کرده بودند، مسوده عظیمی در خیابانها برافراختند. و در برخی میدانها مردم مجسمه شاه را پاشین کشیدند. نیروهای نظامی که از حرکت مردم به وحشت افتاد بودند بصری نظاره کنندگان آتش گشودند. در جریان درگیریهای این روز تعدادی از نیروهای انقلابی ارض از شلیک سبوی مردم خودداری کردند و در خیابان شاه با دافسری از تانک بیرون آمدند و از کشتن درجهای ستر گفت: "من حاضر نیستم سروری بر دارم آتش بکشیم... و به مردم پیوست."

شعارهای ضد دربار و شاه توسط نیروهای چپ به میان مردم برده میشد و چنان است جنبه ملی (طرفداران کاشانی) با این شعارها مخالفت میکردند. گسترش دامنه تظاهرات امیرالایم و درباریان را متوجه ساختند و بود بالاخره پس از کشته شدن بیش از هفتاد نفر عصر روزی تیر در پیار عقب نشینی کرد و باارگشت مصدق را پذیرفت. مصدق که این بار با نیروی توده ها پیوست نخست وزیر بر ایست آورده بود موفقیتش مستحکم تر شد و درگیریهایش با مرمعین حادتر گردید.

قیام سی تیر و نتایج آن بیک پیروزی سیاسی برای مردم در مبارزات ضد امیرالایم شان بشمار می آید. با این پیروزی جنبش ضد امیرالایم بیک گام به پیش برداشت و جهت متکاملتری یافت.

رشد و تکامل جنبش ضد امیرالایم و گسترش مبارزات توده های عناصر سازشکار و محافظه کار را بوحشت انداخت. جناح راست جنبه ملی به رهبری آیت الله کاشانی که تا آن زمان در کنار نیروهای ملی و ضد امیرالایم قرار داشت، تغییر موضع داد و به دشمنی با مصدق و مقابله با جنبش ضد امیرالایم پرداخت.

کاشانی دولتی در دولت مصدق ایجاد کرده بود. خانه

آن بر دزد، دیری برگزازی جشنهای مختلف بود و در نتیجه این سیاست در مقابل کودتای ۲۸ مرداد نتوانست حرکت انقلابی توده ها را جهت مقابله با کودتا سازماندهی نمود و رهبری کند و عملاً "در برابر کودتا مات شد و آن چنان ضربه ای را به جنبش تحمیل کرد که گویی یک دوره طولانی جنبش ضد امیرالایم را به شکست و ناگامی کشاند. بدون شبهه در سهایی که از قیام سی تیر میتوان گرفت فراوانند، اما نیروهای سیاسی بنا به ماهیت طبقاتی و زاویه نگرش شان در سهایی که از این تحولات تاریخی می گیرند، متفاوت است.

رهبران احزاب جنبه ملی که امروز بعلت تلافی پایه های اقتصادی بورژوازی ملی، مأمور و مسکن نما پندگان بورژوازی متوسط و وابسته و حتی بورژوازی بزرگ گردیده است، میگویند از وجهه ملی دکترومصدق و مبارزاتش سود جستند، و اقدامات ضد انقلابی خویش را در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، ملی و نمود سازند در جریان قیام و جنبش توده های میلیونی، بختیار که بن بن نوکری امیرالایم داده بود، ادعای کرده که ادامه دهنده راه مصدق است و با تاکید روی این نکته، در جهت تحمیل و فریب توده ها داد سخن می داد.

ماهیت واقعی امثال بختیار که با سلطنت توده ها مبارز کردند در بیستگانه توده ها برعکس است. اما هنوز ماهیت ضد انقلابی دیگر رهبران جنبه ملی به نامی برای توده ها نشان نگردیدند و توده ها هم از این پرست گامین آقایان ماگ ملی پر چهره زده می خواهند خود را ادامه دهنده راه مصدق قلمداد نمایند. بعضی دارند با فریب توده ها، گوشه های باصطلاح "لیبرالی" خود را در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری سرمایه داری وابسته، مظهر اقدامات ملی دکترومصدق معرفی کنند و با چنین قصدی به توهم "دولت ملی" در میان توده ها دامن می زنند.

حال آنکه امروز آنان دیگر نه نمایندگان بورژوازی ملی بلکه نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتاً متوسط) می باشند. سران حزب جمهوری اسلامی نیز به سبک و سیاق خود، قیام سی تیر را بررسی می کنند و علت شکست دولت مصدق را ملیت گرای و می دانند. قای بهیشتی در اجتماع مردم نجف آباد میگوید:

"اما آنچه بدینال این قیام خوین بدست می آمد، بازگشت دکترومصدق بود، بعنوان حکومت ملی بر سر کار. بنا بر این باز محور جی بود؟ ملیت، باقیام ۲۹ و ۳۰ تیر در شهرهای مختلف ایران، دکترومصدق با رد یکگز نخست وزیر شد. و در این نوبت می بینیم که حتی همین روحانیت مبارز آرام آرام از صحنه باید کنار بروند و توده های انقلابی و سوسیالیست ها را قیام ۲۹ و ۳۰ تیر در شکل یک حکومت ملی به جلومی رود.

لا بد منظور آقای بهیشتی از کنار رفتن روحانیت مبارز، کنار رفتن امثال کاشانی است که مصدق دستور داد توصیه های وی را جمع کند؟

شاید بنظر آقای بهیشتی همکاری آشکار کاشانی با مرمعین، فئودالها و کیمبرادورها شکالی نداشته است. ولادیکار شکنی ها و دشمنی کاشانی با مصدق و همکاری اش با نیروهای مرمعین زینه های کودتای ۲۸ مرداد را فراهم تر نکرد؟

البته آقای بهیشتی مجبور است چنین تحریفاتی را در تاریخ خود نماید تا بتواند اقدامات حزب جمهوری اسلامی را در سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و نیز دفاع از سرمایه داران و زمینداران را در پوشش دفاع از اسلام مستور دارد.

رهبران حزب توده که مسئولیت شکست جنبش ضد امیرالایم را در سالهای سی و اربعه دارند، برای پوشاندن جنایات خویش علت اصلی شکست تاریخی جنبش ضد امیرالایم را در هم می رانند. در فقدان خط مشی انقلابی و پیگیر فقدان خط مشی انقلابی و پیگیر توده ها و در پیش گرفتن سیاست تسلیم طلبانه و پورتونیستی توسط رهبری حزب، بلکه در تکمیل نکردن مصدق به وحدت نیروها و سیاست عدم وحدت میبندند. بدین ترتیب بار "گناه" شکست جنبش را بر دوش مصدق می اندازند.

پورتونیست های "کمیتسه مرکزی" نیز به نوعی دیگر از قیام سی تیر بی ادبانه های درس می گیرند. آنها برای توجیه نظریات انحرافی و تسلیم طلبانه خویش و ملی و مترقی جلوه دادن کمیت گنونی، آنرا با راست مصدق مقایسه می کنند. آنها در این قیام تاریخی خویش به این مسئله اساسی توجهی ندارند: امروز عمده انتمصابی اجتماع ملی و سرباز سیمباره طبقاتی متفاوتی چشمگیری با شرایط آن دوران دارد. اگر در آن زمان ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران، نیمه فئودال نیمه مستعمره (فئودال-کیمبرادو) بود بورژوازی ملی از قدرت و توان اقتصادی بر سر خود را بر بود مصدق نماینده بورژوازی ملی بود. امروز شرایط سرمایه داری وابسته حاکم شده بورژوازی ملی مضحل گردیده و قاعده اقتصادی طبقاتی و سوسیال شکل گسست، اگر توسط پانصوبی شاه به نخست وزیر بر سر رسید، حاکمیت کنونی باقیام مسلحانه توده ها و با سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه بر تخت نشسته است و شرایط مبارزه طبقاتی بهیچوجه قابل اقباس با آن دوران نیست و مقایسه ساده اقدامات دولت مصدق با عملکردهای حاکمیت کنونی، نمیتواند ما را به نتیجه گیریهای صحیح در باره ماهیت حاکمیت کنونی رهنمون باشد.

آنان با چنین درکی هنگامیکه آب نظیر بر سر حاکمیت بورژوازی کنونی ریختند و آنرا خرد بورژوازی و انقلابی و انود ساختند، از خطر کودتا صاحب گرد و کودتای ۲۸ مرداد را خاطر نشان می سازند و از این مقدمه چنین نتیجه می گیرند که برای جلوگیری از کودتا باید به پشتیبانی از حکومت بر خاست از سازماندهای مبارزه انقلابی

کارشناسان وزارت

بقیه از صفحه ۲

خارجی بوسیله سرمایه داران بزرگ بر آن تاکید بسیار دارد. ولی آرایش معلوم است که در پروسه بازسازی و ترمیم سرمایه داری وابسته ایران سرمایه داران متوسط تنها یک نقش کمک کننده داشته و در صورتیکه بحران اقتصاد سیاسی کنونی به سرمایه داران ایران امکان بازسازی را بدهد نتیجه ای جز تسلط سرمایه داری بزرگ در بر نخواهد داشت، و از اینرو سیاست بازگانی خارجی در پروسه خود به تسلسل سرمایه داران بزرگ خواهد انجامید. بنابراین سیاست وزارت بازگانی بعنوان یکی از اجزای سیاست اقتصادی دولت کنونی در جهت تکمیل پروسه ترمیم و بازسازی مناسبات سرمایه داری در جامعه خواهد بود اما حزب توده بعلت سیاست پورتونیستی اش چشم بر این واقعات بسته و هر روز به دولت هشدار میدهد که چرا بازگانی را ملی نمی کند و چرا دست سرمایه داران را از بازگانی کوتاه نمی نماید. واقعات ۱۷ ماهه گذشته و ماههای آینده اگر برای حزب توده و "کمیتسه مرکزی" آموزنده نیست برای توده های مردم ما که گرای می شود، کلاً، تورم و... را با گوش و پیوست خود درک می کنند در سهایی بسیار خواهد داشت. توده ها درک خواهند کرد که در جامعه سرمایه داری هیچ سیاستی هر اندازه که خوش آب و رنگ باشد نمیتواند مسائل اساسی و نیازهای واقعی آنها را پاسخ گوید و تنها با قطع سلطه سیاسی-نظامی - اقتصادی - فرهنگی امیرالایم این مشکلات حل شدنی است. آنها از عهدده جمهوری اسلامی و سیاستهای بورژوازی آنها خارج است. تنها رهبری طبقه کارگر است که میتواند مسائل توده ها را پاسخ گوید و در جهت قطع هرگونه وابستگی اقدام نماید.

توده ها و مبارزات خلقهای تحت ستم روی بر تافت، چرا که بسود مبارزه ضد امیرالایم نیست و حکومت را تضعیف می کند و در این صورت احتمال پیروزی کودتا بیشتر خواهد شد. منافع آنها ایجاب می کند تا فراموش نکنند که علت کودتای ۲۸ مرداد چه بود.

براستی علت چه بود؟ تسلیم طلبی و دنباله روی حزب توده از مصدق و عدم تحمیل سازماندهای توده ها برای مقابله با کودتا، عدم حمایت و پشتیبانی حزب توده از دولت مصدق؟ چرا؟ این مسئله برای همگان روشن است. تنها پورتونیست ها هستند که با نوعی کیمبرادو نشان میدهند از تجربیات تاریخی هیچ نیاموخته اند. آنها می نویسند: "تنها اگر مردم متحد باشند آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند" و این غلطی را از خود خلاصت امیرالایم و پورتونیستهای نوپا از هیئت نمایند، و چنین تبلیغ می کنند که گویا از آرایش دیگران به این منی و رشک ستم فرزان بیرون خواهند آمد. کوشی نمیدانند که تاریخ تکرار مکررات نیست! اگر سیاست دنیا را در حزب توده از دولتی مصدق ترازدی بود، دنباله روی امیرالایم پورتونیستهای نوپا از هیئت حاکمه ما هیتا "بورژوازی تنها تکرار کمیت است.

بگذارید امیرالایم پورتونیستها براه خویش ادامه دهند. درسی که مارکسیست-لنینیست ها باستانی بیاموزند و بورژوازی آن تکه کنند اینست که، یگانه تضمین موفقیت ها و پیروزیهای جنبش هر چند که اندک باشد، نیروی لایزال توده ها است. تنها توده های متشکل و آگاه اند که پاسداران واقعی پیروزیهای جنبش اند. مارکسیست-لنینیست ها باید با اعتقاد و تکیه به توده های زحمتکش و در را سز آنها طبقه کارگر که بر طبقه اساسی خویش یعنی ارتقاء مبارزه انقلابی توده ها و متشکل کردن و آگاهانه نمودن آن بپردازند. این یگانه تضمین است وایر انتمصاب قیام سی تیر و تحولات متعاقب آن بلکه تجربیات کلیه انقلابات پیرومند و شکست خورده به اثبات رسانده است.

زنان زحمتکش می گویند طرح جدید دولت برای گوشت، بنفع پولدارهاست

"... گوشت یخ زده قبلا کیلوئی ۱۳ تومان بود حالا کردنش ۲۵- تومان، در عرض گوشت تازه که کیلوئی ۵ تا ۶ تومان نبود فقط پولدارها میتراستند بخورند شده کیلوئی ۴۲ تومان، معلوم میشود این دولت طرفدار پولدارهاست و گرنه گوشت را برای ما گران نمیکرد و برای آنها ارزان". این فریاد دردمند پلیونهای زحمتکش بستویه مدهاست که از دهان زن زحمتکش ساکن محله شمشیه تهران شنیده میشود.

افزوده شده است خیرا" هم دولت طرحی بقول خود انقلابی برای ارزانی گوشت با اجرا در آورده است که بقول زنان زحمتکش محله های خشمیه و نظام الملک، ارزانی برای "پولدارها" است در حالی که برای زحمتکشان که گوشت یخ زده را با هزار زحمت فراهم میکنند، قیمت گوشت تقریباً دو برابر شده است. زیرا طبق طرح دولت، گوشت تازه و گرم از کیلوئی ۵۰ و ۶۰ تومان به ۴۲ تومان

تومان، پس معلوم میشود این دولت طرفدار پولدارهاست و گرنه گوشت را برای ما گران نمیکرد برای آنها ارزان". زنهایی که در محله های نارمک و زرکش در اعتراض به قیمت گذاری جدید گوشت بحرکت درآمده بودند، از گرانی و کمبود کالاهای ضروری دیگر نیز مینالیدند. یکی از این زنان می گفت: "شوهرم بیکار است و پسر در سر راه راه می رود و می رود کارگری

و در دکان می خورد یک نفعه اینقدر خوب شده که قیمتش را کردند دو برابر کیلوئی بیست و پنج تومان می فروشندش. مثل اینکه همه زورشان بما میرسد و گرنه پولدارها که می توانند هر قدر گران هم باشد گوشت تازه بخورند معلوم است این دولت هم طرفدار سرمایه دارها است و الکی حرف میزند که دل ما را خوش کند ولی دیگر نمیتواند ما را گول بزند، ما هم دیگر گوشت نمیخوریم، به

دستگاههای تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی، از موفقیت اجرای طرح گوشت دم میزنند، قصابها هم از این بابت ناراضی هستند و زبان میبینند اما تقصیری هم متوجه آنها نیست. یکی از قصاب های محله نظام الملک می گفت: "دو روز است که فقط دو کیلو گوشت فروخته ام، هیچ کس نمیخورد، یعنی راستش حق دارند، چون پولش را ندارند، قبلاً همیشه یک صف دراز جلو مغازه ام بود ولی حالا هیچکس نمیآید گوشت بخورد، هرچی هم بمرکز میگویم جواب میدهند بمانر بوط نیست، دولت قیمت گذاشته.

یک زن: چطور شد این گوشت یخ زده که اول حرام بود و بعد کودمی خورد یک دفعه اینقدر خوب شده که قیمتش را دو برابر کردند؟!!

زحمتکشانی که پس از حمل رنجها و مشقت های روان ناشی از بیکاری گرانی و کمبود ما بحتاج زندگی، قیام شکوه مند همن ماه را آفریدند، رژیم جدید چشم امید بسته بودند تا مگر مشکلات مینق وریشه دار زندگی آنها را بر طرف سازد، مسکن مناسب فراهم آورد، بی تازی را بر اندازد کمبود رزاق عمومی و ضروریات زندگی را بر طرف کند، گرانی آکه سالها کمر زحمتکشان آخم کرده بود، ریشه کن کند.....

تنزل پیدا کرده و گوشت یخ زده از کیلوئی سیزده تومان به بیست و پنج تومان رسیده است. بدنبال پیدا ده شدن طرح مزبور، زنان زحمتکش بعضی محلات تهران که بخوبی ظالمانه بودن این طرح را حس میکردند و نمیتوانستند بیش از این گرانی و کمبود و فریب های دولت را تحمل کنند، دست به اعتراض زده و خرید گوشت را در محله های خود تحریم کردند، زنان آگاه و زحمتکش محله های خشمیه و نظام الملک و نارمک و زرکش، در روزهای اخیر با پائین آوردن کرکره های قصابی های محل و تحریم خرید گوشت اعتراض خود را نشان دادند. یکی از زن های خشمیه پیرامون قیمت های جدید گوشت می گفت: "پیش تر هماغاهی میتوانستیم کمی گوشت بخوریم ولی حالا کی پول داره کیلوئی بیست و پنج تومان گوشت بخوره، گوشت یخ زده قبلا کیلوئی سیزده تومان بود ولی حالا کردنش بیست و پنج تومان و در عرض گوشت تازه که کیلوئی پنجاه تا شصت تومان بود و فقط پولدارها می خریدند شده کیلوئی ۴۲

هفته ای ۳۵ تومان پول میگیرد، ماشن نفیر هستیم که توی یک اتاق زندگی میکنیم، ماهی چهار صد تومان هم باید کرایه بدهیم، حالا شما خودتان بگوئید ما مبتزیم بیست و پنج تومان پول فقط به یک کیلو گوشت بدهیم؟! خوراکی های دیگر را چکار کنیم؟! زن دیگری می گفت: "چه طور شد این گوشت یخ زده که اول حرام بود

تمام زنها گفتیم گوشت نخورند، حالا قصابی ها گوشت های شان با دمیکند و مجبورند بریزند دور، بخا طر همین هم هست این روزها کمتر صافی جلقصابی ها بچشم میخورد، زیرا با خرید گوشت از سوی زحمتکشان تحریم شده و با اطمینی توانند برای یک کیلو گوشت بیست و پنج تومان بدهند و این در حالیست که روزنامه ها و

این است برنامه ها و طرح های رفاهی که رژیم با اصطلاح حامی زحمتکشان در جهت بهبود وضع مردم با جار میگذارد. طرح ها و برنامه های که برای سرمایه داران و پولدارها رفاه و آسودگی بیشتر و بیشتر ایجاد میکند و برای زحمتکشان بدبختی و گرانی و مشکل بیار میآورد.

اما هر چه از عمر ما کمیت جدید که با نهرمانی ها و ورشاندگی زمین توده های زحمتکش پستمدیده، بقدرت رسیده بود، گذشت، توده های بیچاره بسته بیشتر در گرفتند رژیم جمهوری اسلامی نه تنها مشکلات آنها را حل نمیکند، بلکه با گذشت هر روز این مشکلات عمیق تر و گسترده تر میشود، مشکل دیرینه مسکن حل نشده که هیچ، بلکه پیچیده تر هم شده و خانه گران تر و نایابتر شده است، بجای ایجاد کار برای صدها هزار کارگریکار، بایر جیدن ده ها و بساط دستفروشان به بهانه های واهی مثل حفظ زیبایی شهر و اخراج کارگران و کلر منان بر تعداد بیسکاران

"میتاق وحدت"...

بقیه از صفحه ۱۱ حسینجانمی که اعتبارنامه او رده شد، انتقال از شورای انقلاب و دولت بوده است و در این مورد ما دیدخواه و گروهی پیشترین حمله را به نمایندگی بندرانزلی نمودند، گروهی (کسی که در پانزده بهمن ۱۳۵۵ با عفو ملوکانه، و با گفتن "سیاس شاهنشاه" در شو تلوزیونی ز زندان آزاد شد) در مقابل حسینجانمی که معتقد بود سرمایه داران و محترکران علیه من اقدام میکنند، بدفاع از سرمایه داران و محترکران بر خاست و عوا مفریبانه اظهار داشت که این افراد سرمایه دار و محترکر نبوده و فقط چند مغازه دار هستند

ضمناً آقای معادپخواه از حسینجانمی سوال میکند شما که از شورای انقلاب و دولت انتقاد کرده اید چرا تا کنون از ما هدیه ای انتقالا دنموده اید، بهر حال اگر چه اعتبار نامه نماینده بندرانزلی رده دولی اعتبارنامه محمد محمدی نمایندگان (با اینکه موارد اتهام یکسان بود) با پادرمیانی آیت الله الهوتی (جناب بنی صدر) و کاظم بجنوردی و اعتراف صریح خود آقای محمدی باین موضوع که بی بقانون اساسی رای داده است بتصویب رسید، طبیعی است در حالیکه اعتبارنامه این دونفر با این اشکالات روبروست سرنوشت نمایندگی و این سیاستی است که محمد روزبان قبل از باطل کردن انتخابات خواهد شد.

مسجد سلیمان از طرف آقای مهدوی کنی نیز روشن بود. بهر حال با توجه به موضع گیری های نمایندگان مجلس در طی همین مدت کوتاه علیه نیروهای مترقی و انقلابی که در ماهیت بورژوازی آن ناشی میشود از هم اکنون میتوان موضع آنرا در قبال نیروهای انقلابی و مترقی و توده های مردم اخیر نمایندگان مجلس در یافت، موضع گیری های اخیر نمایندگان مجلس بوضوح نشان میدهد که نمایندگان فراکسیونهای مختلف بورژوازی علیرغم تضادهای خود، علیه نیروهای انقلابی و مترقی با این اشکالات روبروست سرنوشت نمایندگی و این سیاستی است که محمد روزبان قبل از باطل کردن انتخابات خواهد شد.

روزی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۵)

افول هوقت مبارزه کارگران و او جگیری مبارزات فنگران

موجودیت سندیکای مشترک کارکنان پالایشگاه تهران را مورد سوال قرار دادند. اعلام حمایت سندیکا از تیمار مدنی (در انتخابات ریاست جمهوری) آخرین ضربات را بر پیکر این سازمان وارد ساخت و آن را از مدار خارج کرد.

بایستی اضافه کنیم که در اوایل شهریور ماه در حالی که مبارزه کارگران بعثت تهاجم به گردستان و نقض حقوق و آزادی های دموکراتیک و دیگر دستاوردهای قیام و روپافول گذاشت، نفتگران قهرمان در اکثر قسمتهای پالایشگاه در "شوراهای قسمتی" متشکل شدند و سپس "شورای پیروسی"، "شورای تعمیرات" و "شورای متحدین" در شورای هماهنگی پالایشگاه تهران متشکل شدند. علاوه بر همان ماه "شورای کارکنان ادارات" - مرکزی و شرکتهای وابسته - تشکیل جلسه داد. اگر چه در ابتدا با مقاومت و جنجال گریه فشار انجمن اسلامی روبرو شد، ولی بالاخره کارگران آگاه توانستند محیط جلسه را آرام کنند و جلسه را پیش ببرند. در پایان قطعنامه ای صادر شد. درین جلسه توافق شد که شورای کارکنان صنعت نفت مرکب از نمایندگان کل کارکنان صنعت نفت (کارگروکاران) با انتخاب هر نماینده برای هزار نفر تشکیل شود. با توجه به تعداد کل کارکنان که ۶۵ هزار نفر است بودند تعداد نمایندگان ۶۵ نفر میشد. به همین دلیل نمایندگان حاضر در جلسه که در واقع رای ۸۳۰۵ نفر کارکنان ادارات مرکزی و شرکتهای وابسته را داشتند، با اکثریت آراء تصمیم گرفتند از میان خود ۸ نفر را برای شرکت در شورای سراسری کارکنان صنعت نفت انتخاب کنند.

این حقایق بخوبی نشان میدهد که مبارزه پرولتاریای آگاه و مبارز، بصورتی مستقل و فارغ از افت وخیزهای جامعه ادامه می یابد و تشریفات بی مزایب کمتر از مبارزه پرولتاریای نا آگاه از جو حاکم برجسته می گردد. در آن زمان که بگذریم، در رابطه با سازمانهای انقلابیون حرفه ای باید بگوئیم که اولاً: هیچیک از سازمانها و گروههای موجود هدایت و رهبری مبارزه نفتگران را در اختیار نداشتند و دقیقاً بهمین دلیل هم بودند بعثت اهمیت خاص نسبت در اقتصاد کشور، می توان بجات گفت که همه گروهها و سازمانها و احزاب (۱) روسوی خودستان بالاخره آبادان نهادند و بقتضای پیوند با پرولتاریای پیشرفته صنعتی انرژی خود را به سازمان زیادی در آن جاسترکز کردند. ثانیاً: همین عدم پیوند با نفتگران و ضعف تئوریک سازمانها و گروهها در پاسخگویی به مسائل آنها، این سازمانها را بدنبال نیروی از حركات خود پوی نفتگران میکشاند و آنها را به جنبش تریبونستی تبدیل می نمود و این خود جلوه ای دیگر از بروز کمونیسم حاکم بر جنبش بود.

جدیدی شروع بکار کرد و نام خود را "سندیکای مشترک کارکنان صنایع نفت ایران" گذاشت و تا حدود دو ماه در سطح پالایشگاه تهران فعالیت می کرد. در برای گیری که در مورد فیسول با عدم قبول سندیکای مشترک صورت گرفت، با وجود تحریم انتخابات توسط کارکنان قسمت پیروسی و دیگر کارکنان رای گیری صورت گرفت (۱۷۱ مخالف و ۱۷۱ موافق) و سندیکای مشترک با ترکیب کاملاً "جدیدی" کار خود را شروع کرد و نام خود را نیز عوض کرد و نام "سندیکای کارکنان پالایشگاه تهران" به تصویب جمع رسید. بعثت مبارزه قدرتی که در درون سندیکا در گرفت سه فراز نمایندگان (جمعا ۱۲ نفر بودند) از بنیبه جدا شدند و همان تشریح سابق را با نام "سندیکای مشترک کارکنان صنایع نفت ایران" منتشر کردند. این افراد سعی کردند از نام این ارگان برای مقاصد خود استفاده کنند. کارگروکاران و کارمندان مبارز پالایشگاه تهران بتدریج دریافتند که این افراد تلاش می کنند از سوابق آنها (نام روزنامه) جهت رسیدن به مجال خود استفاده کنند. بنابراین مبارزهای جدی و با آنها شروع کردند و با تشکیل شوراهای کارکنان در قسمتهای مختلف پالایشگاه تهران،

نفت را یکی برد آمریکا، پولش را یکی خورد پهلوی، مرگ بر این حکومت پهلوی و تمام مفسر های شاه را در تمامی کتلهای پالایشگاه بپاره کردند. اعتصاب همچنان ادامه داشت و جلساتی مجرمانه در خانه کارکنان مبارز و از حسان گذشته که عضو کمیته ۲ نفری بودند ادامه داشت. سندیکای مشترک، توده کارگران را در راهبیمائی، تظاهرات و محصر رهبری می کرد و چند بار افراد مبارز سندیکای مشترک و آزاد شدند. پس از قیام بهمین ماه گروهی فرصت طلب از جو ضد کمونیستی ایجاد شده توسط حاکمیت سیاسی استفاده کردند و شروع به سمیائی علیه نیروهای مترقی و انقلابی کردند. در اکثر قسمتهای شرکت نفت تهران طرح تجدید انتخابات برای تصویه عناصر چپ صورت گرفت و بعثت غالب بودن جو ضد کمونیستی اکثریت انتخاب شدگان را عناصر سازشکار و پیرو بی چون و چرای دولت تشکیل دادند. با ورود این مدعیان پیرو دودستی در میان نمایندگان سندیکای مشترک (اعضای انجمن اسلامی و لیبرالها) اکثریت کارکنان پیشرو و انقلابی دست از فعالیت کشیدند. سندیکای مشترک با ترکیب

در سر ماهها شعار ایجاد سندیکای تبلیغ می شود، آنهم در زمانی که دقیقاً توده های مردم که از فوت آیت الله العظمی منتظر شده بودند دفاع همه جانبه از شورای پرداخته بودند و مسلم است که بدلیل همین عدم انطباق شعار با شرایط (هم ذهنی و هم عینی) جاذبه ای نداشت و به نیروی مادی بسندل نند. شکل توده ای دیگر موجود درین زمان (ماههای اول بعد از قیام ناواخر تا پستان) همان "سندیکای مشترک کارکنان نفت" است که پیرو متحول خود را بسوی زوال و نابودی طی می کرد. مخدومی به تحول این سندیکا بپردازیم. او اسطاً با نامه ۵۷ بود که در اجتماع کارگران در سالن غذاخوری پالایشگاه بعثت اعتصاب، یکی از کارمندان پیشیناد تشکیل "سندیکای مشترک" را داد. پیشیناد مورد استقبال کارمندان قرار گرفت و کمیته مشترکی مرکب از ۲ نفر تشکیل شد تا اعتصاب را رهبری کند. همانجا قرار شد که بعد از ۴۸ ساعت در پالایشگاه متحصن شوند. همانشب کارگران ضمن راهبیمائی در پالایشگاه متروخ به دادن شعار کردند و اولین شعار های انقلابی را مطرح نمودند.

دوران شاه با همان نمایندگان مدت ها بعد از قیام باقی ماندند و ثانیاً "پیروان صنعت نفت" - بخصوص تهران - مگر را از شعار "ایجاد سندیکای مستقل" حمایت کردند و بصورت خود با تبلیغ این شعار اولاً علیه "سندیکای مشترک کارکنان پالایشگاه" مبارزه می کردند و میکوشیدند غیر طبعاتی بودن آن را (سندیکای مشترک کارمندان و کارگران) مورد حمله قرار دهند و ثانیاً "تشکل مستقل پرولتاریا را (۱) تدارک می دیدند تشکلی که شامل حال همه کارکنان نشود و فقط کارگران را در بر بگیرد. این درک پرولتاری (۱) و در حقیقت انحرافی آنها از شورا (یعنی اینکه شورا بعثت آنکه همه کارکنان را در بر می گیرد، "غیر پرولتاری و لیبرالی" (۱) است) بخصوص در تهران تأثیرات بعد (اوخر تا پستان) باقی میماند و در این زمان است که جای خود راه شورا بمثابه ارگان مبارزاتی (هم سیاسی و هم اقتصادی) و بسیجی پرولتاریا می دهد. جالب آنکه در پالایشگاه آبادان که در سنه ۴۸ برعکس، ناواخر تا پستان شورای نمایندگان کارکنان پالایشگاه آبادان (که مورد تأیید پیروان بوده) کارگران بود) اداره پالایشگاه را بعهده دارد.

در شاره های قبل گفتیم که ماهها قبل از قیام (شهریور ماه ۵۷) با شکل گیری اولین اعتصاب همه قسمتهای مختلف پالایشگاه آبادان "کمیته اعتصاب" متشکل از نفتگران مبارز و آگاه برای هماهنگ کردن اعتصاب در قسمتهای مختلف بوجود آمد و در مقابل رژیم شاه نخست وزیر منتخب امام بنابه قدرتی اعمال اراده کرد و حتی در نامه های به کیهان (۵۷/۱۰/۱۵) تقاضای عضویت در "شورای انقلاب" را کرد و نیز گفتیم که اگر چه کارگران و بخصوص نفتگران با اعتصاب خود کمترین را شکستند و لسی نتوانستند دومی نتوانستند رهبری مبارزات توده ها را در دست گیرند. (زیرا ستاد رزنده پرولتاریا، حزب طبقه کارگر از شمار رهبری نمی کرد) بایستی اضافه کنیم که پس از پیروزی قیام بهمین ماه و سرنگونی رژیم شاه "کمیته اعتصاب پالایشگاه آبادان اداره پالایشگاه را در دست گرفت و حتی "کمیته پاسداران صنعت نفت" و بعد از قیام از کارکنان نفت و بقتضای حفاظت و پاسداری از این صنعت بوجود آمده بود پس از قیام نیز همچنان امر پاسداری از پالایشگاه را بعهده داشت (و همچنان نیز بعهده دارد. خرداد ۵۹) تغییری که صورت گرفت این بود که از اوایل سال ۵۸ "شورای کارکنان پالایشگاه آبادان" جای "کمیته اعتصاب" را گرفت و اعضای کمیته با برگزیدن چند نماینده دیگر تعداد نمایندگان شورای از ۱۴ نفر (که بسته به شرایط تغییر می کرد) به ۴۶ نفر افزایش داد. نکته قابل توجه و حائز اهمیت آنکه اعمال قدرت کارگران اداره پالایشگاه ۵۸ آنها تا حدود دارد و بیست و هشت (۵۸) همچنان باقی بود و از این زمان دچار افول قابل توجهی شد.

این پدیده به بهترین وجه تسلط ذهنیت خرده بورژوازی را در ذهن کارگران نشان می دهد در حقیقت در اردیبهشت ماه ۵۸ با تصفیه مدیران سابق و ورود مدیران جدید منتخب دولت و مورد تأیید آیت الله خمینی، کارگران قدرت خود را در دستنی تحویل دولت موقت دادند و خود بیما قدرتمندی که قدرتی را تفویض کرده آنگاه دست احتیاج بسوی قدرتمند صاحب قدرتش دراز کردند و از او استمداد می طلبید. روسوی دولت داشتند و جزئی ترین و ابتدائی ترین حقوقشان را تقاضا می کردند. و این سرانجام هر ارگان اعمال حاکمیتی در (شورا) است که روند تکامل پیش را طی کند و نمایندگان انقلابی ترین طبقه جامعه (پرولتاریا) رهبری آنرا در دست نداشته باشد و سیاست مستقل پرولتاریا بر آن حاکم نباشد. اگر بخواهیم از سازمان انقلابی توده نفتگران در ماه های اول بعد از قیام صحبت کنیم باید به دو شکل سازمان که در آن زمان می توانستند موجود باشند و تا حدودی هم عملاً موجود بودند، توجه کنیم. شورا و سندیکا جالب آنست که اولاً در نفت همان سندیکاهای

اعلام نظر

پیشانی از کارگران پیشرو پروژه های آبادان
پیراهون تحولات اخیر در
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

حولاتی که اخیراً در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روی داد. درین خود و انجمنی حاصل بود. خطباتی را به نمایش می گذارد. اس و اعمی از یکوزاسی انجمنی فدائی خلق ایران را به روسی نشان میدهد. و روسی دیگر به فضای بورژوازی است. حاکم بر کمینه مرکزی سردار است. این دو خطبت که بر سه روی میسای "مقاوم دار بند دو خط می میضاد در این روی ما فراموشند. و ضرورتاً انتخاب آگاهانه ای را که منجمنی بر مصالح پرولتاریا باشد از ما مصلحت حراکه.

از روسی دیگر است (نقل از کار ۶۳ - احطانات ما مسئله است. آری، دیگر و افلا "نی توان به کما می معقد بود که از طرفی خود را "فدائی خلق" مینامند و از طرف دیگر با مصالح پرولتاریایی اعتقاد دارند. در آن لحاظ بسوی فرار شده اند. که هواداران راستین طبقه کارگر باسی جایگاه حقیقی خود را هر چه بر می برگزیدند. بورژوازیست راست حاکم بر کمینه مرکزی ار همان ابتدای خلقی. در مبارزه اندولوریکه ما می انگان خود را جهت بیان خرافات این سارزه مسخ کرد. آنها علیرغم اینکه بحیثی بداندند که متکل رفعات سازمان، به تحول بیش گذشته بلکه جهت با سخوتی به ضرورتهای مردم و بالفعل امروز جنبش کمونیستی بوده است اما فرصت طلبانه بگویند بداند شکل را به سبب گذشته سازمان منسب سازند. در بعضی یکوی این تاکتیک انحرافی نتوانستند ما خود را معنی بر واقع بود. اما بورژوازیستها بداند که نمی توان سراز هیئت خود را از این رنوم و بحیثی نگاه داشتند. ایورژوازیست ها که سوط لجه دلخطه. سگلاب را به هر خرده کاری و از هم کسختی به چشم خویر میدهند. بجای بود حسی از اصول مارکسیست لنینیست جهت با سخوتی به معطال. سعی در باساری، دورنوشی و حرکت بر اساسی بهم بوده جای سکلامی دانستند. امروز ما به نسبت احدی سیاسی انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را آگاهانه بدین فراموشیم. بلکه ناوون کابل با بورژوازیست بودن کمینه مرکزی برای اصلاح و انقیاد آن، منبم و در حد توان خود خواهیم کوشید. با اسد و مبارزه در جهت حقوق جسد سازمانهای طبقه کارگر.

حس کارگران پیرو پیوره آبادان



“شورای اسلامی کارکنان بخش” حکم خلع معین فروز بر وقت را صادر کرد

بورژوازی از همان آغاز پیدایش شوراها، این ارگانهای خود جنوش کارگران، عدم تحمل خود را بوضوح نشان داد. او همواره و در تمام ایام طولانی دوساله این سئوال را مطرح کرد که با من (مدیریت من، اراده و اداره و کنترل من) یا شورا (اراده کارگران، اداره و کنترل کارخانه توسط آنان)، و با واقع هم اگر توان آنرا داشت و اگر می توانست یک لحظه هم موجودیت شوراها را تحمل نمی کرد، یک لحظه هم در دردم شکستن و تا میل کردن آنها درنگ و تا میل نمی کرد. و هم چنان که نکر دو در هر لحظه که ذره ای احساس قدرت می کرد، لحظه ای از دیگر بیهای درونی خود دفاع می شد، لحظه ای احساس همگونی و وحدت درونی می کرد، تنها هم بشوراها، این دست وردهای قیام شکوهمند بهمن ماه را آغاز می نمود، و در مقابل پرولتاریا نیز، با آن سطح پایین گاهی، با آن سطحی آشنی بیوندیبا روشنگران انقلابی و با همه انحرافات حاکم برجش کمو نیستی که نه تنها به ارتقا می یافتی پرولتاریا خدمت نمی کرد بلکه بدفعات آنرا بقهر می برد، بطور غیربزی در مقابل بورژوازی و تنها هم بورژوازی مقاومت کرده است و از دموکراسی نوع

جانشین از شوراها می کا رخا نه اش دفاع کرده است و با وجود تمام افت و خیزها و سیر عمومی عقب نشینی همچنان “شوراها” را حفظ کرده است و حتی پاره ای مواز پیش ساخته است.

تا زه ترین موج تهاجم بشوراها، همچنان که در شماره ۶ “کار” را طیشان کردیم، بهره برداری از خواست برحق کارگران و توده های رزمنده در قیام بهمن ماه، یعنی تصفیه و پاکسازی عناصر و عوامل رژیم شاه و سرمایه داران و با بسته به امیرالایسم بوده است. بدین ترتیب که بر ستر این خواست (که ریشه های عمیق در آرمانخواهی خلق ستم دیده ما دارد) و در پی ماها طلب اجرای آن توسط توده ها از حاکمیت (بدلیل همان توهمات آنها نسبت به حاکمیت) .

بالاخره بورژوازی شمار توده ها را گرفت، کمیسوین های تصفیه کرد و به تمسک و و پاکسازی پرداخت. در ابتدا عده ای از روستگان رژیم سابق و ساواکیها را معلق کرد و با اخراج نمود و سپس نوک حمله خود را متوجه مبارزین و انقلابیون و نیروهای مترقی درون و خارج می تولد، دارا ت و غیره

کر جنبش کارگری و کارمندی با لایح در چند ماهه اخیر مملو از مبارزی از این نوع است: و هر فردی بمحض آنکه کمی دقیق تریا طرافش بنگرد بعلت و فور موارد نمونه های متعددی از آنرا می بیند: (نفت، برق، آب، ماشینها، زبیا، فولاد و غیره).

تنها جمیع شورا های نفت، نیز از جمله این موارد است: ماهها مبارزه نفت گران برای تصفیه و پاکسازی شرکت ملی نفت که مملو از کارگران - امیرالایست و مهره های استخواندار و پر تجربه اش می باشد، اگر چه به موفقیت ها بی پایله امده بود اما ما شیبه های نا دردی حرکت لاک پشتی و عدم قاطعیت آن در برخورد با عوامل رژیم سابق (که از جانب مقامات عالی دینی تا کشید و حما بیست میشدند) نمی توانست آرمانهای پرولتاریا و نفتگرا را اذیت کند. این سوئکه با لایحه پرولتاریا و پیشرو صنعت نفت همواره اعمال مستقیم را ده گرفتار شورا ای اسلامی کارکنان بخش (که تا بنده حدود دوازده هزار کارکنان بخش ستار و در عمل حدود دترتاریخ ۱۵/۴/۵۹ تشکیل مجمع عمومی داد و حکم تعلیق و پاکسازی شده



نبرد خلق

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

“میتلق وحدت”

گذاری نیست بر سر دو موضوع اکثریت مجلس اعلام موضع نمودند. ۱- پشتیبانی قاطع مجلس نشینان از سرکوب خلق کرد و طرفدار گونه سدا گره. ۲- انقیاد بی غیروهای انقلابی مثل مجاهدین خلق و تحت فشار قرار دادن آنها برای موضع گیری در مقابل صحبت های اخیر آیت الله خمینی.

مجلس شورای اسلامی با این پیش درآمد شروع یکا رنموده است و طرکد آن در همین چند هفته به حل مغفلت وجهت گیری در جهت منافع اقلاری از خلق نیست البته نباید فراموش کرد موقعی که یکی از عناصر مجلس و با حکومت در موضع ضعف قرار گیرد و قفانش از اغتشاش بلند میشود، نمونه حالت این موضوع در مطاحه آیت با روزنامه که بیان در تاریخ سوم تیرماه در مورد مسائل مهم روز

میباشد، آقای آیتت چنین وانمود می کند او عابدوزاهد و مسلمان است زیرا اعتقاد دارد که تقویت عقاید مذهب ترین مساله روز می باشد وی اظهار میکند: جناح های مربوطه رئیس جمهور به تقویت عقاید دامن امیرند و این امر در همه جای دنیا مقدمت حکومت پلیسی است. صحبت های چنین از زبان ایس نماینده مجلس که مسترک حمله به دانشگاه موسول بسیاری از حرکات حماق داران است جای تعجب هم ندارد. تعجب در این است که عده ای گوش و چشم خود را ببندند و از این عوام مفریبا انظار اقدامات ضد امپریالیستی داشته باشند.

علاوه بر تا کشید میتلق وحدت توسط مجلس که سیاستی علیه جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای انقلابی است سیاست دشمنی آنکار با سازمانهای انقلابی چه در اطلاعیه های اکثر نمایندگان وجه

- ۱- شمس الله رفعی کارگر
 - ۲- کیومرث نجم آبادی کارگر
 - ۳- علی صفر حیدری مقدم کارگر
 - ۴- بهمن بوربور کارگر
 - ۵- علی مفر کمره یی کارگر
 - ۶- شمس الله شیدایی کارگر
 - ۷- محمد مهدی اسلامی کارگر
 - ۸- ناصر منوچهری کارمند
 - ۹- عبدالکریم ها شمسی مرفزاری کارمند
 - ۱۰- علی ذوقی کارمند
- و سپس طی مصاحبه ای اختصا صی با روزنامه جمهوری اسلامی (در شماره ۲۲۶ مورخ ۲۶ تیرماه آن روزنامه به چاپ شده است) علت اقدام خود را چنین توضیح داد: ... بعد از سخنرانی اخیر امام که بسیاری روحانیون سخنرانی را ابرافرمو نمودند و دستور دادند که به هیچوجه نباید این مستحبات اعمالی را انجام دهند که به انسجام امور و نظم کارها

بود که آقای معین فر کوشید با عوام مفری بی مسئله را بنفع خود حل کند این سوئکه کارمندان بخش را در ساها ختمان بخش جمع کرد و در آنجا با با سداران انقلابی محاصره کرد و توضیح داد که: “هیچکس حق ندارد مستقیما کتا لته را مدیریت بکنند اما هنر از صحت وی چیزی نگذشته بود که بقول خود ایشان “فروقت من بخود استم صحبت کنم وسط صحبت من لاله اکبر وطلوات مفر ستا دند”، و بدین ترتیب نفتگران مبارز ما نبع از سخنرانی این عضو شورا ای انقلاب شدند.

واکنش اینها را آقای معین فر و بزار سرکوب دولتی اش سپاه با سداران و دادستانی انقلاب دستگیری یکی از نمایندگان شورا بود که حکم تعلیق هم صادر شده بود.

شورا های نفتگران در تهران بمحض اطلاع از دستگیری نما بند شورا ای بخش، حمایت بیدریغ خود را از نفت وزارت نفت خلع کرد. شورا با کمال قدرت و طبق و تبلیغ شری و همگام با سایر کارکنان اسلامی صنعت نفت ضمن طعشما از وزارت نفت بختناه فوق الذکر (مبنی بر تعلیق مفر از کارکنان بخش) را سردود اعلام میدارد، چه برای ما تعلیق اعضا شورا ای اسلامی هیچ معنی و تبعیری نخواهد داشت جز تعلیق یکی از نفتگران مبارز تهران با دیگر قدرت شوراها و ادعان شکست در مقابل حاکمیت شورا ای انقلابی.

در پی اینواکنش شورا

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

شورای چریکهای فدائی خلق ایران

جمهوری اسلامی با محاکمه تقی شهرام هدفی جز حمله به نیروهای انقلابی و ادنیال نمیکند

محاکمه تقی شهرام که با یک موج تبلیغاتی علیه نیروهای انقلابی آغاز شده است، هدفی جز زمین بازی های تازه جهت حملات جدید آزادی های دموکراتیک و دستاوردهای قیام پرتشوهر توده های میلیونی را در بر ندارد. تاکنون هر بار که رهبران جمهوری اسلامی با چنین قصدی به میدان آمده اند، شبکه ای وسیع از تدارکات و زمینه های قبلی را فراهم نموده اند. بنا بر این بنا بر این میتوان دریافت که هدف سران جمهوری اسلامی از محاکمه تقی شهرام چیست؟ محاکمه تقی شهرام توسط دادگاه های جمهوری اسلامی یعنی آغاز حمله به جنبه علیه نیروهای انقلابی، یعنی برای آنداختن یک موج تبلیغاتی علیه نیروهای مشرفی و انقلابی. بی شک، تنها نیروهای انقلابی هستند که صلاحیت محاکمه تقی شهرام و او را شایسته آن دارند. او مرتکب شده است در رندونه میخ کس دیگر. تنها آنهایی که در سالهای سیاه اخلاقی و بیگناهی توری جان بزرگ، از آزادیهای زحمتکشان پاسداری نموده اند و با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه به ستیز برخاستند، صلاحیت محاکمه تقی شهرام را دارند. تقی شهرام را در سنگرمبارزه بی ایمان بنا بتم و غارت امپریالیستی تاپای جان بیستی رفته اند صلاحیت محاکمه تقی شهرام را دارند و رندونه دادگاه های انقلاب اسلامی. دادگاه های که نیروهای انقلابی را در گوشه و کنار کشور با اعدام محکوم می کنند، فرزندگان تشریفات نیروهای انقلابی را به محاکمه می کنند. ما قدر گونه صلاحیتی در این زمینه هستند. محاکمه تقی شهرام پرده دیگری است از بیگناهی "سو" استفا در سران جمهوری اسلامی زیک ساله سیاسی علیه محاکمه تقی شهرام و دیگر نیروهای انقلابی و راه انداختن موج تبلیغاتی ضد کمونیستی برای نیروهای توده ای ایران را.

حجت الاسلام رفسنجانی :

ساواکی ها باید آزادی و رفاه داشته باشند!

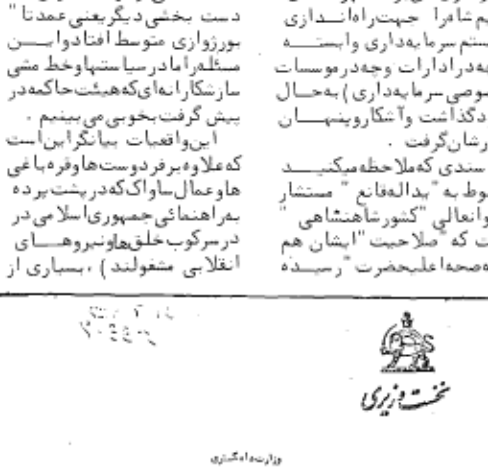
در شرایطی که عمال ساواک با کودتاچیان همدستی میکنند و در حالیکه پلیس و پاسداران به دکه داران سپورش میبرند، همزمان با کشف شبکه های ازمعال توطئه گر، کودتاچی وابسته به امپریالیسم (یکشنبه ۲۲ تیر) رفسنجانی عضو شورای انقلاب و یکی از سران حزب جمهوری اسلامی، طی سخنانی (در پاسخ به شونندگان رادیو) گفت: ساواکی ها هم باید آسایش و رفاه داشته باشند، آنها هم، انسان هستند. البته نباید توطئه بکنند. براساسی هر کس این ثروت و بزرگواری در حجت الاسلام والمسلمین "زو" حامی مستضعفین را با دست و سرکوب و کشتار زحمتکشان دکه دار و دستفروش، کنار هم بگذارد، معنی مستضعف را آنطور که جمهوری اسلامی و شخص آقای رفسنجانی درک میکنند، میفهمد، میفهمد که چرا "دولت مستضعفان" ساواکی را آزاد میکند و با بزرگواری سرمایه داران فراری را، به جیپا و فراسخواری - خلقهای ستمکش و محروم را سرکوب میکنند. سازمانهای انقلابی را مورد بیورش قرار میدهد، کارگرانی را که حتی برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود مجبور به اعصاب میشوند، صدانقلابی میخواند، دکه داران و دستفروشان را که برای امرار معاش، مجبور به دکه داری و دستفروشی شده اند، با پادشاهان را برمی چیند، حقوق دموکراتیک مردم را بر احوالی با پامال میکند، تلاش خود را برای باز پس گرفتن موجودیت - آوردهای قیام افزایش میدهد، و بالاخره بی می برد که چرا کوشش میشود که فضای خفقان باردیگری را بر مردم تحمیل کنند. در این میان حزب جمهوری اسلامی بیش از هر حزب دیگری سوادای چنین وضعیتی را در سر میبراند، که بی شک باید برای تحقق آن بر سر ساواک جهنی و ارتش ضد خلقی آب تظهير بریزد و جناپنگاران وابسته به امپریالیسم را نیز بزنند تا بتوانند با سرکوب نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها مانعی جدی را از سر راه خود بردارند. در بعد از تظهير یکشنبه ۲۲ سخنان "حجت الاسلام رفسنجانی،

تیر گوشه کوچکی از ماهیت ضد مردمی این حزب و سیاست های بغایت ارتجاعی آن را نشان داد. رفسنجانی علنا "از ساواکیها دفاع کرد و بر سر ارتش ضد خلقی آب تظهير فرو ریخت. رفسنجانی این عضو برجسته حزب جمهوری اسلامی و عنصری که با تمام وجود، سیاستهای حزب را تبلیغ و ترویج مینماید، صبح همانروز، بهنگامیکه در توضیح سیاستهای حزب جمهوری اسلامی به عوام فریبی مشغول بود، با کمال وقاحت و بیشرمی می گفت: "جریکهای فدائی خلق بنحو احمقانه ای گفته اند، اگر ما در زمان شاه با ۸۰۰۰۰ ساواکی مواجه بودیم، امروز با ۳۵ میلیون ساواکی مواجهیم". به اعتقاد ما اگر مطابق محاسبات جناب "حجت الاسلام آگاهی مردم ما این اندازه پائین باشد که چنین خزعبلاتی را باور کنند، دیگر فدائی خلق آن نیروئی نیست که حزب جمهوری اسلامی از آن وحشت داشته باشد. ما معتقدیم که حجت الاسلام و سایر زعمای حزب جمهوری اسلامی، در محاسباتشان دچار اشتباه اساسی شده اند و شکمی نداریم که اعتماد نا آگاهانه توده های نیروهای سازشکار و سرکوبگر بر اثر کار رسورانه و آگاهگرانه نیروهای انقلابی، دیری نمیپاید که جای خود را در انزجار و نفرتی میسازد که دیگر هر قدر هم که خواهیم فنار اعمال کنیم: کار دزد اغتشاش درست کنیم، ساواک را بازسازی کنیم، تلفن ها را کنترل کنیم، این وان را دستگیر کنیم، جو ارتعاب و تروار ایجاد کنیم، دیگر فایده ای ندارد و آن میشود که تاریخ بارها نشان داده است. البته ما بخوبی میدانیم شکافی که در این میان وجود دارد، باید با خون پاک کمونیستها پر شود. آری آقای حجت الاسلام، فراموش نکنیم که توده های مردم، برخلاف موعظه های بان که عمری گفته اند "در آن دنیا به حساب هسا رسیدگی میشود" ترجیح میدهند که در این دنیا به حساب هسا (و بخصوص به توطئه گر ها و عوام فریبی ها) رسیدگی کنند!

"مستشار دیوان عالی کشور شاهنشاهی" از مقامات عالی جمهوری اسلامی است!؟

سریر دکان رژیم ناهو هواداران سلطه امپریالیسم، رسماً در مقامات عالی دولت اشتغال دارند اگر چه، در شاهد آسم که امپریالیسم دست به یک کسری مانور میزند، اگر می بینیم که هلیکوپتر های آمریکایی و هواپیما های غول پیکر میتوانند تا قلب ایران پیش روی کنند و در همه جادست امپریالیسم را می بینیم اینها همه گواه است که اعمال وابسته به امپریالیسم و

این بران تیر است که نشان مدهم و میگویم که عمال وابسته به رژیم ناهو سریر دکان به امپریالیسم همچنان در عالمترین مقامات دولتی "جمهوری اسلامی" جای دارند و پستهای کلیدی مهم، از قبیل فرماندهی نیروهای ارتش ضد خلقی و مقامات عالی ملکیتی، در دست آنهاست. رژیم جمهوری اسلامی که از ابتدا، قصدش حفظ سیستم و بازسازی آن بود، مهره های رژیم شامرا جهت راه اندازی سیستم سرمایه داری وابسته (چه در ادارات و چه در موسسات خصوصی سرمایه داری) به حال خود گذاشت و آشکار و پنهان بکارشان گرفت. سندی که ملاحظه میکنید مربوط به "بدال فغان" مستشار دیوان عالی "کشور شاهنشاهی" است که صلاحیت ایشان هم "به صفا علی حضرت" رسیده



حساب آقای نصحت وزیر حضرت عرض وزارت دادگستری راجع به استدعای صدور فرمان دربار آقای بدال فغان با ضمنا سه قطعه عکس و دو برگ خلاصه پیشینه خدمات ایشان برای توضیح و صحت ما رکا علی حضرت هما بون تا هشده ۵۴ ریا مهر بیست و تقدیم میگردد ضمنا با استحضار میرساند که صلاحیت نامبرده برای انتصاب به سمت پیشنهادی بتا شد مقامات مربوط رسیده است. ح

وزارت دادگستری
محل: پناه بازار، ۵۴/۱۱۸/۱۱۸، تهران
تلف: ۲۲۲۲۲۲
سایر: تهران، ۴۰۱/۱۱۸/۱۱۸، تهران
مبارک اللهیمصرعین...
مستشار
وزارت دادگستری

"کمیته مرکزی" باز هم به شیوه های

نارای فغانه و فرصت طلبانه متوسل میشود

در شماره ۱۶۷ رگان سرا روی کمیته مرکزی منظمی تحت عنوان "از این پس نشریات، مکتوبات و نظرات ... نوشته است که یکبار دیگر رفتن غیر فغانه و فرصت طلبانه کمیته مرکزی را نشان میدهد. آنها که فرقیته تئوریک به ورشکستگی کامل رسیده اند و با گذشت هر روز ما هیت ابو توبیستی نظراتشان بر همه آشکار می شود، با رهم شیوه های نارای فغانه تهمت، افتراء، و وارونه جلوه دادن حقایق کمر بسته اند. از جمله خطری که در آنجا گویا ما حاضر شدیم بر سر استفا در زغلام و نام سا زما نوشتاریات آن با اکثریت توابق "تنامیم، این گفتاریک دروغ محض است. و اقلیت این است که ما هیچگاه یک چنین پیشنهادی را از آنها دریافت نکرده ایم، بلکه بالعکس ما چندین بار از آنها خواستیم که برای رسیدگی به مسائل مذکور مسئله امکانیات سا زما جلسه ای تشکیل شود. تا شاید در این زمینه توافق صورت پذیرد. اما آنها تاکنون همیشه از پاسخ باین مسئله طفره رفته اند و ما می گمانیم که مالتی، تسلیحاتی و... متعلق به سازمان را با خود برده اند. حتی سا زما نی و آثار متعلق به جنبش را نیز در اختیار ما قرار رندا دند، مگر را هواداران از ما خواسته اند که سا دپلنوم یعنی اسناد مربوط به اختلافات "اقلیت و اکثریت" را که سا دمتعلق به جنبش کمونیستی است منتشر کنیم، تا همه مردم از چگونگی مسائل مندر در پیشگاه و اختلاف آگاه گردند، اما کمیته مرکزی که موقعیت خود را در خطر دیده است، از دادن این اسناد نیز خودداری کرده است. تمامی فاکت های موجود نشان میدهد که کمیته مرکزی بمنظور سرپوش گذاردن بر رفتن غیر اصولی خود با رژیم به شیوه های برخاسته غیر اصولی متوسل میشود. سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر